



The Quran and the Transformation of Security Paradigms: Scientific Authority in Formulating the Sociological Foundations of Security Studies

Seyed Sajjad Aleseyedghafour^{1*}

1. Corresponding Author: Alumnus of the Qom Seminary, holder of a PhD in Political Science, and official researcher at the Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

Email: aleghafoor@isca.ac.ir

Volume info

Vol. 35
Series: 134
Autumn 2026
P.P: 165-204

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-10-14
Revised:
2025-12-13
Accepted:
2026-05-27
Published:
2026-05-27

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218



Abstract

Security studies within dominant global paradigms are grounded in secular, humanistic, and instrumental rationality worldviews, rendering them incapable of addressing the transcendental, spiritual, and ethical dimensions of security. These approaches, centered on humans as the ultimate purpose of existence, neglect divine revelation and fail to fundamentally resolve crises such as terrorism, economic inequality, and identity crises. This research aims to elucidate the scientific authority of the Holy Quran as a comprehensive and dynamic source for knowledge production in the sociology of security, utilizing methods of directed content analysis and structured thematic interpretation. The findings demonstrate that the Holy Quran is capable of presenting a "Tawhidi Security Theory," with the organic relationship of "faith, justice, and ethics" at its core as a prerequisite for achieving sustainable security. The innovative contribution of this research is the development of a "Five-Layered Tawhidi Security Model" across ideological, ethical, social, economic, and political dimensions. This model provides a systematic and practical framework for analyzing, evaluating, and managing security in Islamic societies, offering novel theoretical foundations and sustainable solutions in contrast to secular paradigms.

Keywords: Scientific Authority of the Quran, Sociology of Security, Security Studies, Tawhidi Security, Quranic Security Theory.

Cite this Article: Aleseyedghafour, S.S. (2026). The Quran and the Transformation of Security Paradigms: Scientific Authority in Formulating the Sociological Foundations of Security Studies. Scientific Journal of Defense Policy, 35(134), 165-204.
doi : 10.47176/dpj.2026.1875



OPEN ACCESS

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

Publisher: Imam Hossein University.

قرآن و الگو‌واره امنیتی؛ مرجعیت علمی در تدوین مبانی جامعه‌شناختی مطالعات امنیت

سید سجاد آل سید غفور^۱

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته حوزه علمیه قم، دکتری علوم سیاسی و محقق رسمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
Email: aleghafoor@isca.ac.ir

چکیده

مطالعات امنیت در پارادایم‌های مسلط جهانی، بر پایه جهان‌بینی سکولار، اومانستی و عقلانیت ابزاری استوار شده و در تبیین ابعاد متعالی، معنوی و اخلاقی امنیت ناتوان هستند. این رویکردها با محوریت انسان به عنوان غایت هستی، از جنبه‌های وحیانی غفلت کرده و قادر به حل ریشه‌ای بحران‌هایی مانند تروریسم، نابرابری اقتصادی و بحران هویت نیستند. این پژوهش با هدف تبیین مرجعیت علمی قرآن کریم به عنوان منبعی جامع و پویا برای تولید دانش در حوزه جامعه‌شناسی امنیت، از روش‌های تحلیل محتوای جهت‌دار و تفسیر موضوعی ساختاریافته بهره برده است. یافته‌ها نشان می‌دهد قرآن کریم قادر به ارائه نظریه امنیت توحیدی است که در هسته مرکزی آن، رابطه ارگانیک ایمان، عدالت و اخلاق به عنوان شرط لازم برای تحقق امنیت پایدار قرار دارد. رابطه ارگانیک ایمان، عدالت و اخلاق به عنوان شرط لازم برای تحقق امنیت پایدار قرار دارد که بستر لازم برای عبودیت فردی و اجتماعی و تقرب به خداوند را فراهم می‌آورد.

دستاوردها نوآورانه این پژوهش، طراحی «الگوی پنج‌لایه‌ای امنیت توحیدی» در سطوح اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. این الگو چارچوبی نظام‌مند و کاربردی برای تحلیل، سنجش و مدیریت امنیت در جوامع اسلامی فراهم می‌آورد و می‌تواند در تقابل با پارادایم‌های سکولار، مبانی نظری بدیع و راهکارهای پایدار ارائه دهد.

این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم از مرجعیت علمی لازم برای ارائه چارچوبی نظری در حوزه جامعه‌شناسی امنیت برخوردار است و با طرح امنیت توحیدی، امنیت پایدار را محصول رابطه ارگانیک ایمان، عدالت و اخلاق می‌داند. در این نگاه، امنیت صرفاً وضعیتی دفاعی نیست، بلکه بستری برای تحقق عبودیت و حیات طیبه است. شبکه مفهومی قرآن، مفاهیمی مانند امن، فتنه، عدل، قسط، ایمان و اخلاق را در منظومه‌ای به هم پیوسته قرار می‌دهد که در آن، فتنه به مثابه یک بحران سیستمیک ضد امنیت، و عدالت به عنوان ستون ثبات و اعتماد اجتماعی تعریف می‌شود. ایمان نیز هم به عنوان منبع آرامش درونی و هم موتور محرکه تحقق عدالت و اخلاق عمل می‌کند. بر این اساس، الگوی پنج‌لایه‌ای امنیت توحیدی در سطوح اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی طراحی شده که چارچوبی بومی، نظام‌مند و کاربردی برای تحلیل و مدیریت امنیت در جوامع اسلامی ارائه می‌دهد و می‌تواند در برابر پارادایم‌های سکولار غربی، هم مبانی نظری بدیع و هم راهکارهای سیاستی پایدار تولید کند.

کلیدواژه‌ها: مرجعیت علمی قرآن، جامعه‌شناسی امنیت، مطالعات امنیتی، امنیت توحیدی، نظریه امنیت قرآنی.

استناد: آل سید غفور، سید سجاد. (۱۴۰۵). قرآن و الگو‌واره امنیتی؛ مرجعیت علمی در تدوین مبانی جامعه‌شناختی

مطالعات امنیت. فصلنامه سیاست دفاعی، ۳۵ (۱۳۴)، ۱۶۵-۲۰۴. doi: 10.47176/dpj.2026.1875

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.



ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع).

OPEN ACCESS

مقدمه

جهان معاصر با چالش‌های امنیتی پیچیده، چندبعدی، به هم پیوسته و پویا روبرو است که از مرزهای سنتی، محدود و تک‌بعدی فراتر رفته و ابعاد وجودی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی و حتی سایبری چندگانه‌ای را دربرمی‌گیرد. تحولات پارادایمی شگرف، سریع و عمیق در مفهوم‌پردازی و نظریه‌پردازی امنیت، از امنیت ملی صرفاً مبتنی بر قدرت سخت‌افزاری، نظامی و دولتی به سمت امنیت انسانی چندبعدی، فراملی، وجودی و پایدار، نشان‌دهنده پیچیدگی روزافزون، دینامیک پویا و غیرخطی این حوزه است. مکاتب فکری غربی مانند مکتب کپنهاگ با مفهوم امنیت‌سازی^۱ و گسترش دایره موضوعات امنیتی به حوزه‌های غیرنظامی، مکتب ولزی با تأکید بر امنیت انسانی، رفاه بشری و ابعاد اجتماعی-اقتصادی، و مکتب انتقادی با نقد بنیادین، رادیکال و ساختارشکنانه گفتمان‌های مسلط امنیتی و تمرکز بر قدرت و کنترل، تلاش کرده‌اند تا این ابعاد چندگانه را تبیین، تحلیل و مدیریت کنند. با این حال، نقطه اشتراک بنیادین، مشترک و مبنایی تمامی این پارادایم‌ها، ریشه در جهان‌بینی سکولار، اومانستی، مادی‌گرا، فردگرا و عقلانیت‌ابزاری غربی دارد که انسان را به عنوان تنها مرجع ارزش‌آفرین، محور هستی، غایت‌نهایی و منبع معرفت قرار می‌دهد. (Waltz, 1979؛ ۱۴۰۲؛ بوزان و ویور).

این رویکردهای تقلیل‌گرا، مادی‌محور و انسان‌محور در تبیین ابعاد متعالی، معنوی، فطری، اخلاقی، وحیانی و پایدار امنیت ناتوان بوده و اغلب به راه‌حل‌های کوتاه‌مدت، واکنشی، سطحی، عمدتاً قهری، نظامی و ابزاری منجر می‌شوند. برای مثال، در بحران‌های جهانی پیچیده مانند همه‌گیری کووید-۱۹ که بیش از ۷۰۰ میلیون مورد ابتلا و میلیون‌ها مرگ را به همراه داشت، مناقشات منطقه‌ای طولانی‌مدت مانند بحران خاورمیانه، تروریسم فراگیر و سازمان‌یافته، بحران‌های مهاجرتی عظیم با بیش از ۱۰۰ میلیون آواره، شکاف فزاینده شمال و جنوب با نابرابری اقتصادی جهانی، چالش‌های هویتی معاصر مانند بحران‌های فرهنگی و قومی، یا تهدیدهای نوظهور سایبری و زیست‌محیطی، این پارادایم‌های سکولار نه تنها نتوانسته‌اند جنبه‌های اخلاقی، اعتقادی، معنوی، فطری و فرهنگی امنیت را به طور کامل، عمیق و پایدار پوشش دهند، بلکه در بسیاری موارد خود به عاملی برای تشدید ناامنی، بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی و بحران‌های اخلاقی تبدیل شده‌اند.

در مقابل این منظومه فکری سکولار و غربی، تمدن اسلامی با اتکا به قرآن کریم به عنوان منبع نهایی، اصیل، تغییرناپذیر، جامع و هدایت‌گر معرفت و حیانی، گنجینه‌ای غنی، عمیق، جاودان و پویا از اصول، قواعد، رهنمودها، ارزش‌ها و الگوهای بنیادین برای حیات فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ارائه می‌دهد. اما پرسش محوری، بنیادین و کلیدی این پژوهش آن است: آیا قرآن کریم صرفاً کتابی اخلاقی-عبادی فردی است که توصیه‌های کلی، کلیشه‌ای و شخصی برای آرامش روانی ارائه می‌دهد، یا دارای قابلیت ارائه چارچوبی علمی، نظام‌مند، منسجم، پویا، رقابت‌پذیر و کاربردی در مطالعات امنیتی و جامعه‌شناختی است؟

در مقابل این منظومه فکری سکولار و غربی، تمدن اسلامی با اتکا به قرآن کریم به عنوان منبع نهایی، اصیل، تغییرناپذیر، جامع و هدایت‌گر معرفت و حیانی، گنجینه‌ای غنی، عمیق، جاودان و پویا از اصول، قواعد، رهنمودها، ارزش‌ها و الگوهای بنیادین ارائه می‌دهد. (منشور مرجعیت علمی قرآن کریم، ۱۴۰۰) با این حال، پذیرش مرجعیت دینی قرآن به معنای پذیرش خودکار مرجعیت علمی آن در حوزه دانشی میان‌رشته‌ای و مدرن مانند جامعه‌شناسی امنیت نیست. چالش نظری اصلی اینجاست که آیا قرآن کریم ورای کارکردهای اخلاقی و هدایتی فردی از ظرفیت و ساختار لازم برای تولید نظریه‌ای علمی، نظام‌مند، رقابت‌پذیر و کاربردی در حوزه مطالعات امنیتی برخوردار است؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان از قرآن نه فقط به عنوان منبع الهام که به عنوان مرجع علمی در تدوین مبانی جامعه‌شناختی امنیت نام برد؟ این پژوهش با اتکا به دلایل متقن، شواهد قرآنی و تحلیل‌های بین‌رشته‌ای، با پذیرش فرضیه دوم، به تبیین ابعاد مختلف مرجعیت علمی قرآن در این حوزه می‌پردازد.

این پژوهش با اتکا به دلایل متقن، شواهد قرآنی و تحلیل‌های بین‌رشته‌ای، با پذیرش فرضیه دوم، به تبیین ابعاد مختلف، سطوح گوناگون و ظرفیت‌های متنوع مرجعیت علمی قرآن در تدوین مبانی جامعه‌شناختی مطالعات امنیت می‌پردازد. مرجعیتی که شامل مبانی هستی‌شناختی (تصویر هدفمند از جهان)، معرفت‌شناختی (منابع شناخت جامع)، انسان‌شناختی (انسان دوساحتی و مسئول)، روش‌شناختی (تعقل و تدبیر) و ارزش‌شناختی (علم در خدمت قسط و تقوا) برای تولید نظریه‌ای جامع، پایدار، بومی و عملیاتی است.

علاوه بر این، در جوامع اسلامی معاصر، چالش‌های پیچیده و چندلایه‌ای مانند تروریسم، افراطی‌گری مذهبی، نابرابری اقتصادی فزاینده با ضریب جینی بالا در بسیاری از کشورها، بحران‌های هویتی و فرهنگی، بی‌اعتمادی اجتماعی گسترده، ضعف سرمایه اجتماعی، چالش‌های حکمرانی مانند فساد اداری، و بحران‌های اخلاقی مانند کاهش اعتماد عمومی، نیاز مبرم، فوری و حیاتی به یک رویکرد بومی، ریشه‌دار، همه‌جانبه، متکی بر ارزش‌ها و باورهای دینی اصیل را برجسته می‌کند. این پژوهش تلاش دارد تا با استخراج نظام‌مند، علمی و ساختاریافته مفاهیم، اصول، قواعد و الگوهای امنیتی از قرآن کریم، خلأ نظری عمیق، روش‌شناختی و کاربردی موجود را پر کند و الگویی عملیاتی، قابل اجرا و بومی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت و ارزیابی امنیت در سطوح خرد (فرد و خانواده)، میانه (سازمان و محله) و کلان (ملی و امت اسلامی) ارائه دهد. همچنین، این رویکرد می‌تواند به عنوان پاسخی به بحران‌های جهانی، به فقدان نظریه‌های روابط بین‌الملل اسلامی اشاره دارد، عمل کند.

پیشینه پژوهش

مرور نظام‌مند، عمیق و انتقادی ادبیات موضوع در حوزه‌های داخلی، فارسی‌زبان و بین‌المللی، نشان‌دهنده خلأ یک پژوهش یکپارچه، ساختاریافته، جامع و بین‌رشته‌ای در زمینه مبانی جامعه‌شناختی امنیت از منظر قرآن کریم است. در حوزه داخلی و فارسی‌زبان، آثار اندیشمندانی بزرگ، پیشگام و تأثیرگذار مانند شهید مرتضی مطهری در کتاب‌های عمیق و بنیادین مانند جامعه و تاریخ، عدل الهی، اخلاق جنسی و فطرت و دکتر علی شریعتی در آثاری مانند جامعه‌شناسی اسلامی، امت و امامت و اسلام‌شناسی، پایه‌های فکری، نظری و فلسفی ارزشمندی برای تفکر اجتماعی اسلام فراهم کرده‌اند، اما این آثار به طور خاص، مستقیم، نظام‌مند و تخصصی به امنیت جامعه‌شناختی به عنوان یک دانش مستقل، کاربردی و بین‌رشته‌ای نپرداخته‌اند. آثار متأخر ارزشمند و غنی مانند تفاسیر بزرگ موضوعی و ترتیبی آیت‌الله جوادی آملی (تفسیر تسنیم) با تمرکز بر ابعاد فلسفی و کلامی، و آثار فلسفی - اجتماعی آیت‌الله مصباح یزدی با تأکید بر مبانی اخلاقی و سیاسی اسلام، نیز بیشتر رویکردی فلسفی - کلامی، انتزاعی و کلی به مسائل اجتماعی داشته و کمتر وارد عرصه جامعه‌شناسی امنیت به شکل تخصصی، عملیاتی و کاربردی شده‌اند.

کتاب امنیت در اسلام (هاشمیان فرد، ۱۳۹۱) نیز به تبیین نقش، اهمیت و جایگاه مفهوم امنیت در اسلام بر اساس آموزه‌های وحیانی می‌پردازد. ساختار آموزشی- پژوهشی آن در پانزده فصل، انواع امنیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی و قضایی را بررسی و تحلیل می‌کند. نویسنده با بهره‌گیری از منابعی چون قرآن کریم، نهج‌البلاغه و رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، چگونگی دستیابی به امنیت واقعی را تشریح می‌کند. پژوهش‌های مقاله‌محور تخصصی‌تری نیز در سال‌های اخیر به طور مستقیم‌تر به امنیت جامعه‌شناختی از منظر دینی پرداخته‌اند. برای مثال، مقاله مفهوم‌شناسی امنیت در قرآن و زمینه‌های شکل‌گیری آن (نوبری، اسماعیلی: ۱۳۹۹) به تحلیل واژگان کلیدی امنیت در قرآن پرداخته، و مقاله تحلیلی معناشناختی از امنیت در قرآن کریم مبتنی بر نظریه استعاره‌های جهتی (شیرزاد، شریفی: ۱۴۰۰) با رویکرد زبان‌شناختی به تبیین ابعاد امنیت در قرآن اقدام نموده است. همچنین، مقاله مرجعیت علمی قرآن با تأکید بر اندیشه‌های قرآن‌شناختی رشید رضا (حسینی رامندی، ۱۳۹۹) به بررسی دامنه مرجعیت علمی قرآن در علوم انسانی می‌پردازد. با این وجود، خلأ یک پژوهش یکپارچه، ساختاریافته و بین‌رشته‌ای که به طور خاص «مبانی جامعه‌شناختی امنیت» را از منظر قرآن کریم و با هدف ارائه الگوی عملیاتی بررسی کند، همچنان مشهود است.

در حوزه بین‌المللی و مطالعات غربی، پژوهش‌های کلاسیک، معتبر و تأثیرگذار مانند کتاب مردم، دولت‌ها و هراس^۱ اثر باری بوزان (۱۹۹۱) که ابعاد امنیت را از منظر رئالیستی و لیبرال بررسی می‌کند و مقاله بنیادین مفهوم امنیت^۲ اثر دیوید بالدوین (۱۹۹۷) که مفهوم امنیت را به طور مفهومی تبیین می‌کند، عمدتاً از منظر سکولار، لیبرال، رئالیستی و غربی به موضوع نگریسته‌اند.

در حوزه داخلی، پژوهش‌هایی مانند «مرجعیت علمی قرآن با تأکید بر اندیشه‌های قرآن‌شناختی رشید رضا» سیدعلی اکبر حسینی رامندی گستره مرجعیت علمی قرآن را بررسی می‌کند و مرزهای آن را تعیین می‌نماید، و مقاله مفهوم‌شناسی امنیت در قرآن و زمینه‌های شکل‌گیری آن امنیت را در قالب واژگان قرآنی تحلیل می‌کند. همچنین، «تحلیلی معناشناختی از امنیت در قرآن کریم» امنیت را با جهت‌نماهای زبانی تبیین می‌کند. این پیشینه غنی اما پراکنده، نشان‌دهنده نیاز

1 People, States and Fear

2 The Concept of Security

مبرم به پژوهش‌های یکپارچه، نظام‌مند، ساختاریافته و کاربردی در زمینه امنیت توحیدی به عنوان یک نظریه جامع، بومی و عملیاتی است که این پژوهش به آن می‌پردازد.

اهداف پژوهش

۱. تبیین مبانی فلسفی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، روش‌شناختی و ارزش‌شناختی مرجعیت علمی قرآن کریم در تولید دانش جامعه‌شناختی امنیت، با تمرکز بر ظرفیت‌های وحیانی قرآن در برابر رویکردهای سکولار.
۲. استخراج و تبیین نظام‌مند، علمی و ساختاریافته مفاهیم کلیدی، گزاره‌های بنیادین، روابط سیستمی، شبکه معنایی پیچیده و الگوهای پنهان مرتبط با امنیت در قرآن با استفاده از روش تفسیر موضوعی ساختاریافته، شامل تحلیل عمیق، لایه‌به‌لایه و میان‌رشته‌ای بیش از ۲۰۰ آیه مرتبط مستقیم و غیرمستقیم.
۳. ارائه چارچوب نظری جامع، منسجم، بومی و ادغام‌پذیر برای جامعه‌شناسی امنیت بر اساس مبانی قرآنی، با ادغام هوشمندانه، انتقادی و خلاقانه دیدگاه‌های معاصر اسلامی و نقد علمی، معرفتی و کاربردی پارادایم‌های مسلط غربی.
۴. طراحی الگوی عملیاتی، قابل اجرا و پنج‌لایه‌ای «امنیت توحیدی» و بررسی دقیق، تفصیلی و کاربردی کاربردها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن در سطوح خرد (فرد و خانواده)، میانه (سازمان، محله و نهادهای مدنی) و کلان (ملی، امت اسلامی و روابط بین‌الملل).
۵. ارائه راهکارهای اجرایی، راهبردی، سیاستی و عملیاتی کاربردی برای تحقق عینی، پایدار و مقاوم امنیت پایدار در جوامع اسلامی، همراه با مثال‌های تاریخی عینی از صدر اسلام مانند مدینه‌النبی، جوامع معاصر موفق مانند مالزی در عدالت اقتصادی و پیشنهاد مدل‌های ارزیابی.
۶. مقایسه تطبیقی، نقادانه، علمی و معرفتی الگوی پیشنهادی امنیت توحیدی با پارادایم‌های سکولار مسلط مانند مکتب کپنهاگ و ولزی، و پیشنهاد پژوهش‌های تطبیقی، میان‌رشته‌ای، آینده‌نگر و کاربردی برای توسعه، بهسازی و جهانی‌سازی این نظریه.

سؤالات پژوهش

۱. مرجعیت علمی قرآن کریم در تولید دانش جامعه‌شناختی امنیت بر چه مبانی فلسفی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی استوار است و چگونه می‌توان آن را در برابر رویکردهای سکولار تبیین کرد؟
۲. مفاهیم بنیادین، کلیدی، شبکه‌معنایی پیچیده و روابط علی، سیستمی، سلسله‌مراتبی و دیالکتیکی امنیت در قرآن کریم کدام‌اند و چگونه می‌توان آن‌ها را استخراج و تحلیل کرد؟
۳. الگوی نظری جامع، بومی و عملیاتی «امنیت توحیدی» برگرفته از قرآن کریم چیست و چگونه می‌توان آن را در سطوح مختلف تحلیل، سیاست‌گذاری و اجرا به صورت عملیاتی، قابل‌سنجش و پایدار پیاده‌سازی کرد؟
۳. طراحی الگوی پنج‌لایه‌ای امنیت توحیدی و واکاوی نظام‌مند ظرفیت‌ها و محدودیت‌های اجرایی آن در سطوح سه‌گانه؛ به این شرح:
در سطح خرد (فرد و خانواده): با طراحی شاخص‌های رفتاری و تربیتی و تحلیل امکان‌سنجی اجرا در سبک زندگی اسلامی.
- در سطح میانه (سازمان و جامعه محلی): با ارائه چارچوب‌های نهادی و ارزیابی قابلیت‌های الگو در مدیریت نهادهای مدنی و محلی.
- در سطح کلان (حکمرانی ملی و فراملی): با تدوین مبانی سیاست‌گذاری و تحلیل نقش الگو در تقویت همبستگی امتی و تعاملات بین‌المللی مبتنی بر عزت.
۴. شاخص‌های عینی، کمی، کیفی، چندبعدی و ترکیبی سنجش، پایش و ارزیابی «امنیت توحیدی» در جوامع اسلامی در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان کدام‌اند و چگونه می‌توان آن‌ها را طراحی و اعمال کرد؟
۵. چگونه می‌توان الگوی پنج‌لایه‌ای «امنیت توحیدی» را با مطالعات معاصر بین‌المللی، یافته‌های علوم اجتماعی مدرن، چالش‌های امنیتی نوظهور مانند سایبری و زیست‌محیطی ادغام، بهسازی و توسعه داد؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی، بنیادی، اکتشافی و میان‌رشته‌ای است و از دو روش اصلی، مکمل و ادغام‌شده تحلیل محتوای جهت‌دار کیفی نظام‌مند و تفسیر موضوعی ساختاریافته قرآن بهره می‌برد. مراحل اجرای روش‌شناسی به شرح زیر است:

مرحله اول: گردآوری نظام‌مند داده‌ها: استخراج جامع، سیستماتیک و کامل تمام آیات مرتبط با حوزه امنیت از قرآن کریم با استفاده از کلیدواژه‌های اصلی، مشتقات و مفاهیم مرتبط مانند اُمن، ایمان، سکینه، طمأنینه، عدل، قسط، فتنه، فساد، اخوت، تولی، تبری، جهاد، صلح، عهد، امانت و ... با کمک نرم‌افزارهای تخصصی.

مرحله دوم: تحلیل و کدگذاری داده‌ها: دسته‌بندی موضوعی تماتیک، کدگذاری باز، محوری و انتخابی مفاهیم، کشف روابط علی، تقویتی، تعارضی و سلسله‌مراتبی، ساختارها و الگوهای پنهان در شبکه معنایی امنیت قرآنی با استفاده از ابزارهای تحلیلی.

مرحله سوم: تفسیر و ترکیب یافته‌ها: استفاده از تفاسیر معتبر متقدم و متأخر مانند المیزان، مجمع البیان، نمونه، تسنیم برای فهم عمیق‌تر، چندلایه و میان‌رشته‌ای آیات و سپس ترکیب یافته‌ها در قالب یک چارچوب نظری منسجم، الگوی عملیاتی و شاخص‌های سنجش.

مرحله چهارم: اعتبارسنجی و پایایی: استفاده از روش‌های متعدد برای افزایش اعتبار، پایایی و قابلیت اعتماد پژوهش مانند مثلث‌سازی (استفاده از چند روش، منبع و خبره)، بررسی سازگاری درونی با جهان‌بینی قرآنی، و مقایسه با یافته‌های علوم اجتماعی مدرن.

ابزار پژوهش: استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی علوم قرآن مانند جامع‌التفاسیر نور و منابع کتابخانه‌ای گسترده داخلی و بین‌المللی.

چارچوب نظری: مرجعیت علمی قرآن کریم

در این بخش، به بررسی مبانی نظری مرجعیت علمی قرآن کریم در حوزه جامعه‌شناسی امنیت پرداخته می‌شود. هدف، تبیین این ادعا است که قرآن به عنوان یک متن وحیانی، نه تنها منبع هدایت

معنوی، بلکه چارچوبی علمی و نظام‌مند برای تولید دانش در حوزه امنیت ارائه می‌دهد. برای واکاوی این مرجعیت، لازم است ابتدا مفهوم مرجعیت علمی از منظر قرآن مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی مرجعیت علمی

مرجعیت علمی قرآن کریم به معنای قابلیت ذاتی، ساختاری، محتوایی و پویای آن برای ارائه چارچوب‌های اساسی، مبانی بنیادین، اصول روش‌شناختی، جهت‌گیری‌های ارزشی و غایات متعالی در فرآیند تولید علم، بومی، متعهد و هدایت‌گر است. این مرجعیت بی‌نظیر، جامع و چندلایه در پنج سطح تحلیلی کلیدی قابل بررسی، تبیین و کاربرد است:

هستی‌شناختی: قرآن کریم، جهان هستی را به عنوان مخلوقی هدفمند، نظام‌مند، حکیمانه، دارای غایت‌نهایی و تحت تدبیر الهی توصیف می‌کند (بقره: ۲۹).

هستی‌شناختی: قرآن کریم، جهان هستی را به عنوان مخلوقی هدفمند، نظام‌مند، حکیمانه، دارای غایت‌نهایی و تحت تدبیر الهی توصیف می‌کند (بقره: ۲۹). در تفسیر این آیه، علامه طباطبایی در المیزان بر این نکته تأکید دارد که نظم و هدفمندی جهان، نشانه‌ای از علم و حکمت خداوند است و مبنای نظمی است که امنیت جهان بر آن استوار می‌گردد (المیزان، ج ۱، ص ۱۱۷).

انسان نیز دارای فطرتی خداگرا، حقیقت‌جو، عدالت‌خواه و مسئول آفریده شده است (روم: ۳۰). انسان نیز دارای فطرتی خداگرا، حقیقت‌جو، عدالت‌خواه و مسئول آفریده شده است (روم: ۳۰). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، فطرت را «شناخت و گرایش ذاتی انسان به توحید و فضایل» می‌داند که پایه صلاح و امنیت فرد و جامعه است (المیزان، ج ۱۶، ص ۲۳۴).

این نگاه هستی‌شناختی توحیدی، در مقابل مستقیم، انتقادی و رادیکال هستی‌شناسی مادی، تصادفی، پوچ‌گرایانه و مکانیکی سکولار قرار می‌گیرد و امنیت را به عنوان بخشی از نظام خلقت الهی تبیین می‌کند.

این نگاه هستی‌شناختی توحیدی، به شکلی مستقیم، انتقادی و رادیکال در تقابل با هستی‌شناسی مادی، تصادفی، پوچ‌گرایانه و مکانیکی پارادایم‌های سکولار قرار می‌گیرد و در نتیجه، امنیت را نه پدیده‌ای قراردادی یا تصادفی، بلکه به عنوان بخشی ذاتی و هدفمند از نظام حکیمانه خلقت الهی تبیین می‌کند.

معرفت‌شناختی: منابع شناخت در منظومه قرآنی شامل وحی الهی (منبع اصلی و یقینی)، عقل سلیم (تعقل و تدبر)، حس تجربی سالم (مشاهده و تجربه) و فطرت پاک (روم: ۳۰) است (نحل: ۷۸). این رویکرد جامع، متعادل، غیرتقلیل‌گرا و ادغام‌پذیر، از افتادن در دام تجربه‌گرایی صرف، عقل‌گرایی افراطی یا حس‌گرایی محدود اجتناب می‌کند و برای مطالعات امنیت، منابع معرفتی متنوعی ارائه می‌دهد.

انسان‌شناختی: انسان در قرآن موجودی دو ساحتی (مادی و معنوی)، دارای کرامت ذاتی (اسراء: ۷۰)، مسئول، آزاد، مختار، خلیفه الله روی زمین و دارای ظرفیت نامحدود رشد معنوی و انحطاط اخلاقی معرفی شده است که امنیت او در تعادل این ساحت‌ها نهفته است.

انسان‌شناختی: انسان در قرآن موجودی دو ساحتی ترکیب از خاک و روح الهی فَاِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُّوحِيْ (حجر: ۲۹)، دارای کرامت ذاتی (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) (اسراء: ۷۰)، مسئول در برابر اعمال خویش (وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: ۳۹)، آزاد و مختار در انتخاب (فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (كهف: ۲۹)، خلیفه الله روی زمین (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) (بقره: ۳۰) و دارای ظرفیت نامحدود رشد معنوی (وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ...) (فرقان: ۶۳-۷۶) و انحطاط اخلاقی (وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (شمس: ۷-۸) معرفی شده است. از این منظر، امنیت اصیل انسان در گرو تعادل، شکوفایی و هماهنگی این دو ساحت وجودی اوست، به گونه‌ای که جنبه مادی در خدمت جنبه معنوی و حرکت به سوی کمال قرار گیرد.

روش‌شناختی: قرآن علاوه بر ارائه محتوای معرفتی، به اصول و قواعد روش‌شناختی مانند تعقل (إِنَّ فِيْ ذَلِكَ لَذِكْرَ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (غافر: ۱۶)، تدبر (محمد: ۲۴)، مشاهده (عنکبوت: ۲۰)، تجربه تاریخی (روم: ۹) و عبرت‌آموزی از تاریخ تأکید دارد و روش‌های کیفی و کمی را ادغام می‌کند.

ارزش‌شناختی: علم و معرفت در این منظومه، باید در خدمت اهداف متعالی مانند عمران زمین، تحقق قسط و عدالت، تقوا، عبودیت و سعادت بشری باشد (حدید: ۲۵)، نه صرفاً برای تسلط بر طبیعت، تأمین منافع مادی یا قدرت‌طلبی. این نگاه ارزشی، مطالعات امنیت را به سمت عدالت‌محوری و اخلاق‌گرایی سوق می‌دهد.^۱

۱ ر.ک: غرسبان، مرتضی، «مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه دکتر گلشنی»، فصلنامه مطالعات علوم قرآن، شماره ۵، مهر ۱۳۹۹.

مقاله «مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه دکتر گلشنی» نوشته غرسبان این مرجعیت را در اسلامی سازی علوم برجسته می کند.

تبیین جایگاه امنیت در منظومه قرآنی: در نگرش توحیدی قرآن، امنیت در همه سطوح خود، خود هدف غایی نیست، بلکه بستر ضروری و واسطه ای برای تحقق هدف نهایی خلقت انسان، یعنی عبودیت پروردگار و تقرب به او است (ذاریات: ۵۶). امنیت پایدار، آرامش و ثباتی را ایجاد می کند که فرد و جامعه را از دغدغه های بقای اولیه رها ساخته، فعالیت های اصیل انسانی در مسیر عبادت، تعقل، عدالت گستری و تعالی اخلاقی را ممکن می سازد. بنابراین، نظریه امنیت توحیدی، امنیت را نه به عنوان یک غایت نهایی، بلکه به عنوان پل و زمینه ساز حیات طیبه و قرب الهی مفهوم پردازی می کند.

مبانی فلسفی مرجعیت علمی قرآن

این مرجعیت بر پایه های محکم، متقن و جاودان استوار است:

وحیانی بودن: قرآن کریم به عنوان کلام الهی مستقیم، از هرگونه خطا، تحریف، نقص، سهو و محدودیت بشری مبرا است (فصلت: ۴۲). این امر پایه قطعیت، اعتبار و اعتماد به محتوای علمی، معرفتی و کاربردی آن است.

جامعیت: قرآن به صراحت خود را «تبیاناً لکل شیء» معرفی می کند (نحل: ۸۹)، یعنی روشنگر، بیانگر و هدایت گر همه اموری که برای هدایت، سعادت و امنیت بشر لازم است، از فرد تا جامعه و امت.

عدم اختلاف: سازگاری درونی عمیق، نظام مند و هماهنگ آیات قرآن در طول زمان و مکان (نساء: ۸۲) نشان از الهی بودن آن و قابلیت تشکیل یک سیستم فکری منسجم، پویا و بدون تناقض دارد.

جاودانگی و جهان شمولی: قرآن برای همه زمان ها، مکان ها، فرهنگ ها و جوامع بشری دارای پیام، راهکار و الگوهای قابل تطبیق، تفسیر پویا و کاربرد عملی است.

هدایت گری: غایت اصلی قرآن، هدایت بشر به سوی سعادت دنیوی و اخروی است و این نگاه غایت شناختی، جهت تولید علم، سیاست گذاری و مدیریت امنیت را مشخص می کند.

این مرجعیت بر پایه‌های محکم، متقن و جاودان استوار است که در آیات قرآن و تفاسیر معتبر به روشنی تبیین شده‌اند:

و حیانی بودن: قرآن کریم به عنوان کلام الهی مستقیم، از هرگونه خطا، تحریف، نقص و محدودیت بشری مبرا است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت: ۴۲). این امر پایه قطعی و اعتبار محتوای آن است. در تفسیر این آیه، علامه طباطبایی تأکید دارد که مصونیت قرآن از باطل، نشانه ربانی بودن و اتقان آن در تمام ابعاد است (المیزان، ج ۱۷، ص ۵۴۸).
جامعیت: قرآن به صراحت خود را «تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» معرفی می‌کند (نحل: ۸۹). بدین معنا که روشنگر همه امور لازم برای هدایت و سعادت بشر در همه عرصه‌هاست. در تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است که قرآن «برنامه کامل زندگی» و پاسخگوی نیازهای هدایتی بشر در همه زمان‌هاست (تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۲).

عدم اختلاف: سازگاری درونی آیات در طول زمان نشان از الهی بودن آن دارد: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲). علامه طباطبایی این آیه را دلیلی بر وحدت نظام فکری قرآن و عدم تضاد در آموزه‌های آن می‌داند که شرط لازم برای مرجعیت علمی است (المیزان، ج ۵، ص ۶۷).

جاودانگی و جهان‌شمولی: قرآن با فطرت انسان هماهنگ است و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها پیام و راهکار دارد. در تفسیر آیات مرتبط، همچون «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره: ۱۸۵)، آمده است که قرآن به دلیل تکیه بر فطرت و اصول ثابت، همیشه زنده و کاربردی است (تفسیر تسنیم، ج ۶، ص ۲۱۵).
هدایت‌گری: غایت اصلی قرآن، هدایت بشر به سمت سعادت دنیوی و اخروی است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹). این جهت‌گیری غایت‌شناختی، مسیر تولید علم و سیاست‌گذاری را مشخص می‌کند. در تفسیر این آیه، هدفداری قرآن به عنوان محور هدایت فرد و جامعه مورد تأکید قرار گرفته است (المیزان، ج ۱۳، ص ۱۱).

مقاله «ظرفیت‌سنجی گونه‌های مرجعیت علمی قرآن در مطالعات روان‌شناختی» ظرفیت‌های مرجعیت در حوزه‌های روان‌شناختی را بررسی می‌کند که قابل تعمیم به امنیت است.

مقاله ظرفیت‌سنجی گونه‌های مرجعیت علمی قرآن در مطالعات روان‌شناختی یافته‌ها، و چارچوب روش‌شناختی این مقاله در تبیین مرجعیت علمی قرآن، قابل تطبیق و توسعه برای حوزه جامعه‌شناسی امنیت است.^۱

نظریه امنیت توحیدی: فرضیه محوری و نظام علی

فرضیه محوری، بدیع و کلیدی این پژوهش آن است که «امنیت پایدار، همه‌جانبه، مقاوم و متعالی، محصول رابطه ارگانیک، پویا، دیالکتیکی (منطقی) و سه‌ضلعی «ایمان، عدالت و اخلاق» در چارچوب جهان‌بینی توحیدی است». این سه رکن، نه مجزا، پراکنده و مستقل، که در پیوندی ناگسستنی، متقابل و تقویت‌کننده با یکدیگر قرار دارند. برای مثال، ایمان راستین به خدا و معاد، بزرگ‌ترین انگیزه درونی برای پایبندی به عدالت و اخلاق است (حدید: ۲۵). عدالت نیز بستر ساز ثبات، اعتماد و امنیت اجتماعی می‌شود.

عدالت نیز بستر ساز ثبات، اعتماد و امنیت اجتماعی می‌شود. خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید فلسفه ارسال رسل و انزال کتب را قیام مردم به قسط می‌داند: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». مکارم شیرازی در تفسیر این آیه، قسط را عدالت فراگیر در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و قضایی معرفی می‌کند که تنها ضامن تحقق امنیت پایدار است (تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۱۶).

و اخلاق نیکو، روابط اجتماعی را تلطیف، اعتماد را افزایش و زمینه اجرای عدالت را فراهم می‌کند. این نظام علی را می‌توان به شکل زنجیره پویا «ایمان اصیل → اخلاق فاضله → عدالت گسترده → امنیت پایدار و همه‌جانبه → عمران زمین و سعادت بشری»

این مفاهیم در یک چرخه فضیلت‌آفرین و تعاملی پویا قرار دارند: امنیت پایدار و تاب‌آور که حاصل تعامل ایمان، اخلاق و عدالت است، بستری آرام و با ثبات فراهم می‌کند که به نوبه خود، زمینه را برای تعمیق ایمان توحیدی، شکوفایی اخلاق فاضله و نهادینه‌سازی هرچه بیشتر عدالت مساعد می‌سازد. این فرآیند تقویت متقابل، در نهایت تحقق حیات طیبه و تقرب جمعی به خداوند را ممکن می‌سازد. بنابراین، رابطه‌ای یک‌سویه و خطی نیست، بلکه یک حلقه بازخورد مثبت است.

۱. ر.ک: عزیزی، مرتضی، ظرفیت‌سنجی گونه‌های مرجعیت علمی قرآن در مطالعات روان‌شناختی، فصلنامه قرآن و روانشناسی، سال اول، شماره ۲، خرداد ۱۴۰۲، صص ۱۲۱-۱۳۶.

ایمان ← اخلاق ← عدالت ← امنیت ← (تقویت مجدد ایمان، اخلاق و عدالت)

یافته‌های تفصیلی پژوهش تفصیلی

مطابق با روش شناسی توصیف شده، تحلیل عمیق آیات قرآن کریم منجر به استخراج دو دسته یافته به هم پیوسته شد: نخست، شبکه مفهومی درهم تنیده‌ای از کلیدواژه‌های امنیتی قرآن که منطق درونی گفتمان امنیتی آن را شکل می‌دهد و دوم، الگوی نظاممند و کاربردی که این مفاهیم را در قالب سطوح مختلف امنیت عملیاتی می‌سازد. در ادامه، این دو دسته یافته به تفصیل ارائه می‌شوند.

مفاهیم بنیادین و شبکه معنایی امنیت در قرآن

تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی مفاهیم محوری، کلیدی و بنیادین استخراج شده از قرآن کریم شد که تشکیل دهنده شبکه معنایی پیچیده، پویا، چندلایه و سیستمی امنیت هستند. این مفاهیم عبارتند از:

مفهوم امن و امنیت: تحلیل سطوح و ابعاد یک سازه جامع

مفهوم امن و امنیت، به عنوان مفهومی محوری، کلیدی و ذاتاً چندبعدی، در منظومه فکری اسلام از جایگاهی رفیع برخوردار است.

مفهوم امن و امنیت، به عنوان مفهومی محوری، کلیدی و ذاتاً چندبعدی، در منظومه فکری اسلام از جایگاهی رفیع برخوردار است. قرآن کریم در سوره قریش (آیه ۴) به صراحت نعمت امنیت را در کنار نعمت رزق و روزی قرار داده و آن را پایه اصلی تعالی اجتماعی و اقتصادی برمی‌شمارد: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (همان [خدایی] که آنان را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمنشان ساخت). این آیه به وضوح نشان می‌دهد که امنیت نه تنها به عنوان یک نیاز پایه، بلکه به مثابه بستر ضروری برای تحقق حیات اجتماعی و اقتصادی پایدار در نگاه قرآن مورد تأکید قرار گرفته است.

این مفهوم نه تنها فقدان تهدید، بلکه حالتی از آرامش، طمأنینه و تضمین پایداری در برابر آسیب‌ها را در بر می‌گیرد. امنیت دارای سطوح، ابعاد، مراتب و طیف گوناگونی است که در کنار

یکدیگر، یک طیف کامل، جامع، منسجم و سلسله‌مراتبی را تشکیل می‌دهند. هر سطح، پشتیبان سطح پس از خود بوده و اختلال در هر یک، می‌تواند کل نظام امنیتی فرد و جامعه را با چالش مواجه سازد.

امنیت دارای سطوح، ابعاد، مراتب و طیف گوناگونی است که در کنار یکدیگر، یک طیف کامل، جامع، منسجم و سلسله‌مراتبی را تشکیل می‌دهند. این سلسله‌مراتب در آیات قرآن کریم نیز بازتاب یافته است؛ از امنیت وجودی و قلبی «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» - (رعد: ۲۸) تا امنیت اجتماعی و جمعی «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» - (العمران: ۱۰۳) و امنیت اقتصادی و سیاسی («لَنَلَّا يَكُونَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَعْنِيَاءِ مِنْكُمْ» حشر: ۷).

هر سطح، پشتیبان سطح پس از خود بوده و اختلال در هر یک، می‌تواند کل نظام امنیتی فرد و جامعه را با چالش مواجه سازد. برای نمونه، ضعف در امنیت اعتقادی (لایه اول) می‌تواند به کاهش پایبندی اخلاقی (لایه دوم) بینجامد؛ این امر اعتماد اجتماعی (لایه سوم) را تضعیف کرده، فضای رقابت ناسالم اقتصادی (لایه چهارم) را دامن می‌زند و در نهایت بیشبانی سیاسی و مشروعیت حکومت (لایه پنجم) را در پی خواهد داشت. این زنجیره علی‌نشان می‌دهد که امنیت یک کل یکپارچه است و تقویت یا تضعیف هر لایه، اثر مستقیم بر کلیت نظام امنیتی دارد.

امنیت وجودی و هستی محور شناختی: این سطح، عمیق‌ترین و پایه‌ای‌ترین لایه امنیت است که به بنیانی‌ترین پرسش‌های بشری درباره زندگی، مرگ، هدفمندی جهان و جایگاه انسان می‌پردازد. احساس امنیت در برابر نیستی، پوچی، بی‌معنی‌بودن و اضطراب‌های اگزیستانسیال، تنها از طریق ایمان و باور به خدای قادر مطلق، حکیم بی‌همتا و رحمانِ مهربان حاصل می‌شود. قرآن کریم در سوره قریش، آیه ۴، نعمت امنیت از ترس (خوف) را در ردیف نعمت امنیت از گرسنگی قرار می‌دهد: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (همان [خدا] که آنان را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمنشان ساخت). این آیه نشان می‌دهد که امنیت وجودی، مقدمه و بستر امنیت در سایر عرصه‌هاست و بدون آن، سایر سطوح امنیتی، ناپایدار و شکننده خواهند بود. قرآن کریم در سوره قریش، آیه ۴، نعمت امنیت از ترس (خوف) را در ردیف نعمت امنیت از گرسنگی قرار می‌دهد: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ». مکارم شیرازی در تفسیر

نمونه با استناد به این آیه، امنیت را پایه‌ای برای همه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌داند و فقدان آن را باعث فروپاشی نظام اجتماعی قلمداد می‌کند (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۸).

امنیت روحی روانی و قلبی: این بُعد، به آرامش درونی، سکون قلب و ثبات روانی فرد اشاره دارد که مستقیماً از ذکر و یاد خدا، توکل بر او و ایمان به قضا و قدر الهی نشأت می‌گیرد. قرآن کریم به روشنی اعلام می‌کند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (آگاه باشید! تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد) (سوره رعد، آیه ۲۸). این آرامش، پادزهر طبیعی برای اضطراب‌ها، استرس‌ها و نگرانی‌های دنیوی است.

این آرامش، که ریشه در پیوند با مبدأ هستی دارد، بنیان و زمینه‌ساز اصیلی است که اضطراب‌ها و نگرانی‌های دنیوی اساساً در مقابل آن مجال ظهور نمی‌یابند، یا به تعبیری، مانع اصیل شکل‌گیری آنهاست.

امنیت اجتماعی (جمعی) و جمعی: این بُعد، ناظر بر ایمنی و آسودگی خاطر در عرصه‌ی روابط و تعاملات جامعه به مثابه یک کل یکپارچه است، نه صرفاً جمع جبری امنیت روابط فردی. این امنیت زمانی محقق می‌شود که پیوندهای اخوت، همبستگی و اعتماد عمومی در سطح کل جامعه حاکم باشد و نهادهای اجتماعی توانایی حفظ انسجام در برابر تهدیدات فراگیر را داشته باشند. این بُعد، ناظر بر ایمنی و آسودگی خاطر در عرصه روابط اجتماعی، تعاملات جمعی و زندگی روزمره در جامعه است. این امنیت زمانی محقق می‌شود که افراد جامعه، حقوق متقابل یکدیگر را رعایت کنند، پیوندهای اخوت و برادری دینی و انسانی را تقویت نمایند و روحیه همبستگی و تعاون در میان آنان حاکم باشد. قرآن در سوره آل عمران، آیه ۱۰۳، مؤمنان را به حفظ وحدت و چنگ زدن به ريسمان الهی فراخوانده و هشدار می‌دهد که پراکندگی و تفرقه موجب از دست رفتن قدرت و امنیت جامعه می‌شود.

قرآن در سوره آل عمران، آیه ۱۰۳، مؤمنان را به حفظ وحدت و چنگ زدن به ريسمان الهی فراخوانده و از تفرقه نهی می‌کند. مفسران بر این باورند که پراکندگی و تفرقه، پیامدهای ویرانگری همچون از دست رفتن قدرت، عزت و امنیت جامعه را در پی دارد (ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۲؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۶۲).

امنیت اقتصادی و معیشتی: تأمین نیازهای اساسی زندگی، برقراری رفاه عمومی نسبی و استقرار عدالت در توزیع ثروت و فرصت‌ها، از ارکان اساسی امنیت برای فرد و جامعه به شمار می‌رود. فقر و محرومیت گسترده، بستر مناسبی برای بروز ناامنی‌های اجتماعی و بحران‌های مختلف فراهم می‌کند. قرآن کریم در سوره حشر، آیه ۷، مقرر می‌دارد که ثروت و مواهب اقتصادی در جامعه نباید تنها در دست ثروتمندان گردش کند، بلکه باید به گونه‌ای توزیع شود که محرومان نیز از آن بهره‌مند شوند: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولُهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (تا [ثروت] در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد). این اصل، زمینه‌ساز آرامش و امنیت اقتصادی برای تمام آحاد جامعه است.

این اصل، زمینه‌ساز آرامش و امنیت اقتصادی برای تمام آحاد جامعه است. با این حال، از منظر قرآنی، تأمین مادی و رفاه اقتصادی، هرچند ضروری، شرط کافی برای تحقق «آرامش» (طمأنینه) نیست. آرامش حقیقی، که ریشه در امنیت وجودی و روانی دارد، تنها در سایه‌ی ایمان و ارتباط اصیل با خداوند حاصل می‌شود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). قرآن هشدار می‌دهد که ثروت و تمکن اقتصادی به خودی خود نه تنها آرامش‌بخش نیست، بلکه ممکن است سبب غفلت، طغیان و افزایش زیاده‌خواهی گردد: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَفٍّ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى» (علق: ۶-۷). بنابراین، امنیت اقتصادی در الگوی توحیدی، زمانی به آرامش مطلوب می‌انجامد که در ذیل امنیت اعتقادی قرار گیرد و به عنوان وسیله‌ای برای تسهیل عبودیت و قرب به خداوند تعالی باشد، نه به عنوان غایت نهایی.

امنیت قضایی و حقوقی: این بُعد، تضمین‌کننده برخورداری همگان از دادرسی عادلانه، احقاق حقوق فردی و اجتماعی و جلوگیری از هرگونه ظلم و ستم و تبعیض است. قرآن کریم در سوره نساء، آیه ۵۸، با صراحت فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید). وجود نظام قضایی عادل و شفاف، سنگ بنای اعتماد عمومی و احساس امنیت حقوقی برای همه شهروندان است.

امنیت سیاسی و ملی: این سطح، به ثبات و استحکام نظام سیاسی، مشروعیت حاکمیت برآمده از مشارکت مردمی (مشورت) و توانایی دفاع از تمامیت ارضی و کیان جامعه در برابر تهدیدات خارجی

و داخلی اشاره دارد. قرآن کریم در سوره شوری، آیه ۳۸، مؤمنان را کسانی می‌داند که «أمرهم شوری بینهم» (کارهایشان [در امور عمومی] از طریق مشورت میان آنان انجام می‌شود).

این اصل، پایه مشروعیت و ثبات سیاسی را تقویت می‌کند. همچنین، دستور به آمادگی نظامی برای مقابله با دشمن (مانند آیه ۶۰ سوره انفال) نشان‌دهنده اهمیت تأمین امنیت ملی و دفاع از حریم جامعه اسلامی است.

این سطح، به ثبات نظام سیاسی، مشروعیت الهی حاکمیت، و مقبولیت و کارآمدی برآمده از مشارکت مردمی (مشورت) و توانایی دفاع از کیان جامعه اشاره دارد. قرآن کریم در سوره شوری، آیه ۳۸، مؤمنان را کسانی می‌داند که «أمرهم شوری بینهم». این مشارکت و مشورت، هرچند منبع مشروعیت نیست، اما سازوکاری ضروری برای تحقق حکمرانی عادلانه، جلب رضایت و افزایش توان عملیاتی نظام در چارچوب ولایت الهی است. همچنین، دستور به آمادگی نظامی.

نظام امنیتی در اسلام، یک پارادایم یکپارچه و پویا است که علاوه بر ابعاد پیشین، سطوح دیگری را نیز در بر می‌گیرد تا بتواند به تمامی نیازهای اصیل بشر برای زندگی توأم با آرامش و کرامت پاسخ گوید. این ابعاد عبارتند از:

امنیت فرهنگی و هویتی: این بُعد، به مصونیت جامعه در برابر تهاجم فرهنگی، تحریف ارزش‌ها، زوال هویت دینی و ملی و همچنین حفظ استقلال فکری اشاره دارد.

اسلام با تأکید بر اصل «الْحَكْمَةُ ضَالَةٌ الْمُؤْمِنِ» (به نقل از امام صادق علیه‌السلام در الکافی، ج ۱، ص ۲۵) که حکمت و دانش را گم‌شده مؤمن می‌داند.

اسلام با تأکید بر اصل «الحكمة ضالة المؤمن» (حکمت و دانش، گم‌شده مؤمن است) و دعوت به تعقل و تفکر، زمینه‌ساز شکل‌گیری هویتی مستحکم و مقاوم در برابر انحرافات فکری می‌شود. قرآن در سوره حجرات (آیه ۶) از مؤمنان می‌خواهد که در برابر اخبار و اطلاعات، تحقیق و تبیین کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا». این امر، پایه‌ای برای ایجاد «امنیت معرفتی» و مصونیت از شایعات و جنگ روانی است.

این امر، پایه‌ای برای ایجاد امنیت روانی - معرفتی است؛ بدین معنا که با ترویج تحقیق، جامعه در برابر شایعاتی که آرامش خاطر، تصورات و قضاوت افراد را هدف می‌گیرند، مصونیت می‌یابد.

امنیت اخلاقی و خانوادگی: این بعد، ناظر بر مصونیت جامعه از فساد، بی‌بندوباری، گسست روابط خانوادگی و فروپاشی بنیان نهاد خانواده است. اسلام با وضع قوانین برای حفاظت از حریم خصوصی (سوره نور، آیه ۲۷)، تأکید بر حجاب به عنوان عاملی برای تأمین امنیت اجتماعی برای زنان (احزاب: ۵۹) و تقدس بخشیدن به نهاد خانواده، بستری امن برای رشد و تعالی افراد فراهم می‌کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خَلْقًا» (کامل‌ترین مؤمنان از نظر ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین آنان هستند). بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۵، ح ۱؛ یا: الکافی، ج ۲، ص ۹۹) امنیت اخلاقی، آرامش و اعتماد متقابل در جامعه را تقویت می‌کند.

امنیت بهداشت جسمی و سلامتی: این بُعد، که در دوران همه‌گیری‌هایی مانند کرونا بیش از پیش اهمیت یافت، به حق برخورداری از سلامت جسمی، دسترسی به خدمات درمانی و مواجهه عادلانه با بحران‌های بهداشتی می‌پردازد. در آموزه‌های اسلامی، حفظ سلامتی و رعایت بهداشت فردی و اجتماعی، امری بسیار مورد تأکید است. «النظافة من الإيمان» (پاکیزگی بخشی از ایمان است). کنز العمال، ج ۹، ص ۲۹، ح ۲۵۰۱۶؛ یا: مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۳۱، ح ۱۰۸۰.

امنیت زیست‌محیطی: این بعد، که از آن به امنیت سبز نیز تعبیر می‌شود، این تعبیر، ترجمه و مفهوم‌پردازی بومی از اصطلاح «Green Security» یا «Environmental Security» در گفتمان معاصر امنیت جهانی است که بر پیوند حیاتی بین ثبات اکولوژیک و امنیت جامعه انسانی تأکید دارد. قرآن کریم با اصل کلیدی إصلاح الأرض و نهی از فساد فی الأرض (اعراف: ۵۶)، مبانی و حیاتی همین مفهوم را در قالب امنیت زیست‌محیطی تبیین می‌کند.

به حفاظت از محیط زیست، منابع طبیعی، آب، هوا و خاک در برابر آلودگی و تخریب می‌پردازد. اسلام انسان را خلیفه الله روی زمین می‌داند (بقره: ۳۰) و آبادانی زمین و پاسداری از مواهب طبیعی را از وظایف او برمی‌شمارد. قرآن در سوره اعراف (آیه ۵۶) هشدار می‌دهد: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (و پس از آبادانی [زمین] در آن فساد نکنید). این دستور، پایه‌ای محکم برای تأمین امنیت نسل‌های حاضر و آینده در برابر بحران‌های زیست‌محیطی است.

قرآن در سوره اعراف (آیه ۵۶) هشدار می‌دهد: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (و پس از آبادانی [زمین] در آن فساد نکنید). در تفاسیر معتبر، إفساد فی الأرض تنها به فساد اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه تخریب، آلودگی و به هم زدن تعادل نظام آفرینش اعم از

آلودگی‌های آب، هوا و خاک را شامل می‌گردد (ر.ک: المیزان، ج ۸، ص ۱۳۲؛ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۳۵). این دستور، که در امتداد مفهوم خلافت انسان (بقره: ۳۰) قرار دارد، پایه‌ای محکم و مستقیم قرآنی برای تأمین امنیت نسل‌های حاضر و آینده در برابر بحران‌های زیست‌محیطی است.

امنیت آینده‌نگر و نسلی: این سطح، به برنامه‌ریزی برای تأمین امنیت نسل‌های آینده، انتقال ارزش‌ها و میراث تمدنی و ایجاد جامعه‌ای پایدار اشاره دارد. اسلام با تأکید بر آموزش، تعلیم و تربیت مانند اولین آیات نازل شده: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» و توصیه به تدبیر و عاقبت‌اندیشی مانند آیه ۱۸ سوره حشر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»، چارچوبی برای تضمین امنیت آینده فراهم می‌کند.

اسلام با تأکید بنیادین بر آموزش، تعلیم و تربیت مانند اولین آیات نازل شده: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» که در تفاسیر، سرآغاز حرکت جهادی و تمدنی امت دانسته شده است (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۴۶)، و توصیه صریح به تدبیر، عاقبت‌اندیشی و مسئولیت در برابر آینده مانند آیه ۱۸ سوره حشر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» که پرهیز از تصمیم‌های کوتاه‌مدت مخرب و نگاه راهبردی به عواقب کار را می‌آموزد، چارچوبی مستدل و مستند از قرآن کریم برای تضمین امنیت آینده و پایداری جامعه در طول زمان (امنیت نسلی) فراهم می‌کند.

جمع‌بندی: وحدت در کثرت

تمامی این ابعاد از امنیت وجودی تا امنیت زیست‌محیطی در یک نظام سلسله‌مراتبی و به هم پیوسته قرار دارند. به عنوان مثال:

-امنیت وجودی، پایه و اساس امنیت روانی است.

امنیت وجودی، بنیادی‌ترین زیرساخت و پیش‌نیاز دستیابی به امنیت روانی پایدار محسوب می‌شود. با این حال، به لحاظ نظری و تجربی، این رابطه می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعدد فردی، اجتماعی یا روان‌شناختی مانند بیماری‌ها، ضربه‌های روحی، یا شرایط پیچیده زندگی قرار گیرد و تضعیف شود. از منظر قرآن، ایمان توحیدی که سرچشمه امنیت وجودی است، ظرفیت و امکان قوی‌ترین آرامش روانی (طمأنینه) را فراهم می‌آورد، چنانکه می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). بنابراین، در چارچوب نظریه امنیت

توحیدی، امنیت وجودی ناشی از ایمان، بستر مطلوب و جهت‌دهنده‌ای برای تحقق امنیت روانی فراهم می‌کند.

-امنیت روانی فردی، سنگ بنای شکل‌گیری امنیت اجتماعی و اخلاقی است.

-امنیت اقتصادی و قضایی، بستر لازم برای تحقق امنیت سیاسی و ملی را فراهم می‌کنند.

امنیت اقتصادی و قضایی، از بسترهای مهم و تأثیرگذار بر تحقق امنیت سیاسی و ملی هستند. با این حال، این رابطه به هیچ وجه خطی، یک‌سویه یا کافی نیست. تحلیل مبتنی بر الگوی پنج‌لایه‌ای امنیت توحیدی نشان می‌دهد که امنیت سیاسی و ملی پایدار، برآیند تعامل پویا و ارگانیک تمام لایه‌هاست. برای مثال، جامعه‌ای می‌تواند از نظر اقتصادی پیشرفته و ثروتمند باشد (لایه چهارم قوی)، اما به دلیل ضعف در لایه مشروعیت، عدالت یا اخلاق (لایه‌های اول، دوم و پنجم)، فاقد امنیت سیاسی و ملی عمیق باشد. نمونه بارز این وضعیت، رژیم صهیونیستی است که با وجود برخورداری از شاخص‌های بالای اقتصادی و تکنولوژیکی، به دلیل فقدان مشروعیت هستی‌شناختی (اشغالگری)، نقض عدالت (آپارتاید) و بحران هویت و اخلاق، در پایدارترین حالت بحران امنیت ملی و عدم مقبولیت سیاسی در منطقه به سر می‌برد. بنابراین، در منظومه قرآنی، اقتصاد قوی تنها زمانی به امنیت ملی می‌انجامد که در ذیل امنیت اعتقادی و اخلاقی قرار گرفته و در خدمت تحقق عدالت باشد.

-امنیت فرهنگی و زیست‌محیطی، تضمین‌کننده پایداری و تداوم این چرخه برای نسل‌های آینده (امنیت نسلی) هستند.

این نگاه همه‌جانبه و یکپارچه، سبک زندگی اسلامی را به عنوان الگویی جامع برای تأمین امنیت کامل در برابر تمامی اشکال تهدید از درونی تا بیرونی، از مادی تا معنوی معرفی می‌کند. بنابراین، وقتی از نقش سبک زندگی اسلامی بر امنیت اجتماعی در یک جامعه مانند روسیه سخن می‌گوییم، منظور تأثیر این نظام جامع در ایجاد ثبات، انسجام و آرامش در تمامی لایه‌های زندگی فردی و جمعی است. این الگو با ایجاد هماهنگی بین سطوح مختلف وجودی و اجتماعی انسان، ظرفیت ذاتی برای ایجاد ثبات، انسجام و آرامش در تمامی لایه‌های زندگی فردی و جمعی را داراست.

در برابر این منظومه جامع و چندلایه‌ی امنیت در آموزه‌های قرآنی، می‌بایست ضدالگو یا آسیب‌شناسی بحران‌های امنیتی را نیز مورد بررسی قرار داد. قرآن کریم برای تبیین وضعیت

فروپاشی امنیت، از مفهوم عمیق و چندبعدی فتنه استفاده می‌کند که در نقطه مقابل امنیت قرار دارد. در این بخش، به عنوان مکمل و تکمیل‌کننده تحلیل امنیت، به آناتومی فتنه به مثابه یک بحران سیستمیک و همه‌جانبه می‌پردازیم تا از این منظر، درکی ژرف‌تر از شرایط ناامنی و راه‌های خروج از آن حاصل شود.

مفهوم فتنه: آناتومی یک بحران نظام مند سیستمیک و همه‌جانبه مفهوم فتنه: آسیب‌شناسی یک بحران روشمند (ضدالگوی امنیت)

در تکمیل تحلیل سطوح و ابعاد امنیت، و برای دستیابی به درکی جامع، بررسی آسیب‌شناسی یا ضدالگوی بحران امنیت نیز ضروری است. در برابر منظومه جامع امنیت قرآنی، می‌بایست عواملی که این نظام را از درون متلاشی می‌کنند، شناخت. قرآن کریم برای تبیین وضعیت فروپاشی امنیت، از مفهوم عمیق و چندبعدی فتنه استفاده می‌کند که در نقطه مقابل کامل امنیت قرار دارد. بنابراین، این بخش با رویکردی آسیب‌شناسانه به آناتومی فتنه به مثابه یک بحران نظام مند و همه‌جانبه می‌پردازد.

مفهوم فتنه در ادبیات قرآنی، صرفاً به معنای یک ناامنی ساده یا درگیری گذرا نیست، بلکه بیانگر یک پدیده پیچیده، چندلایه و بحران‌زای سیستمیک است که در نقطه مقابل کامل امنیت قرار می‌گیرد. فتنه، طوفانی ویرانگر است که همزمان بر ابعاد گوناگون زندگی فردی و جمعی تأثیر می‌گذارد و اساس جامعه را به لرزه درمی‌آورد.

مفهوم فتنه در ادبیات قرآنی، صرفاً به معنای یک ناامنی ساده یا درگیری گذرا نیست، بلکه بیانگر یک پدیده پیچیده، چندلایه و بحران‌زای سیستمیک است که امنیت را در ریشه‌دارترین و جامع‌ترین سطوح آن تهدید، متلاشی و به حالت تعلیق درمی‌آورد. فتنه، طوفانی ویرانگر است که همزمان بر ابعاد گوناگون زندگی فردی و جمعی تأثیر می‌گذارد و اساس جامعه را به لرزه درمی‌آورد. به بیان دیگر، فتنه وضعیتی است که در آن، خود امکان تحقق و تداوم امنیت به مخاطره می‌افتد. این مفهوم را می‌توان از چند منظر تحلیل کرد:

الف) فتنه به مثابه یک بحران معرفتی و حقیقت‌زدایی: در عمیق‌ترین سطح، فتنه موجب می‌شود که مرز بین حق و باطل مخدوش شود، شکاف بین واقعیت و ظاهر عمیق گردد و مردم نتوانند

حقیقت را تشخیص دهند. قرآن کریم در سوره بقره (آیه ۱۹۱) می‌فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (و فتنه از کشتار سخت‌تر است).

قرآن کریم در سوره بقره (آیه ۱۹۱) می‌فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (و فتنه از کشتار سخت‌تر است). در تبیین این آیه، علامه طباطبایی در المیزان فتنه را «آشوبی عمومی» تعریف می‌کند که حقیقت‌ها را می‌پوشاند و جامعه را در بحران هویت و اخلاق فرو می‌برد، تا آنجا که ویرانی ناشی از آن از جنگ و کشتار نیز ویرانگرتر است (المیزان، ج ۲، ص ۱۰۴).

این اشاره به آن است که فتنه، «کشتار عقول و اخلاق» است؛ زیرا در جنگ، خطوط جبهه روشن است، اما در فتنه، دوست و دشمن، حق و باطل درهم می‌آمیزند. آیه ۲۱۷ همین سوره نیز اشاره دارد که فتنه ممکن است مردم را از دینشان بازدارد، که نشان از تهدید امنیت اعتقادی و هویتی در سطح بنیادین دارد.

آیه ۲۱۷ همین سوره نیز اشاره دارد که فتنه ممکن است مردم را از دینشان بازدارد: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ». در تفسیر المیزان آمده است که فتنه در این آیه به فتنه در دین تفسیر شده و مراد، آشوبی است که اساس اعتقادات و هویت جامعه را هدف قرار داده و از جنگ و کشتار مخرب‌تر است (المیزان، ج ۲، ص ۱۶۷).

ب) فتنه به مثابه یک بحران اخلاقی و ارزشی: فتنه، فضایل اخلاقی را تجزیه می‌کند. در چنین شرایطی، دروغ رواج می‌یابد، خیانت عادی‌سازی می‌شود، امانتداری رنگ می‌بازد و ارزش‌هایی مانند ایثار و احسان جای خود را به خودخواهی و سودجایی می‌دهند. این ناامنی اخلاقی، اعتماد عمومی را که رگ حیات جامعه است، از بین می‌برد.

ج) فتنه به مثابه عامل گسست ارتباطی و بحران اجتماعی: فتنه موجب گسست ارتباطی می‌شود؛ پیوندهای اجتماعی را می‌گسلد. روابط بر اساس خویشاوندی، دوستی و همسایگی سست می‌شود و جامعه به گروه‌های متخاصم و بی‌اعتماد تقسیم می‌شود. «فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ قَرِحُونَ» (کارشان را در میان خود پراکنده و قطعه قطعه کردند)

(سوره مؤمنون، آیه ۵۳). این گسست، امنیت رابطه‌ای را نابود می‌کند و هرگونه همکاری و همبستگی ملی را غیرممکن می‌سازد.

«فَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا...» (کارشان را در میان خود پراکنده و قطعه قطعه کردند) (سوره مؤمنون، آیه ۵۳). علامه طباطبایی در ذیل این آیه، تفرقه را عامل اصلی زوال قدرت، تشتت اجتماعی و ناامنی می‌داند و آن را در مقابل امر به وحدت و تولی قرار می‌دهد (المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۴)."

د) فتنه به مثابه یک بحران سیاسی و هرج و مرج فراگیر: در این مرحله، نظم عمومی از بین می‌رود، قانون بی‌اثر می‌شود و حاکمیت مشروع جای خود را به زور و بی‌قانونی می‌دهد. این ناامنی سیاسی، زمینه را برای ظلم، استبداد و مداخله خارجی فراهم می‌کند.

د) فتنه به مثابه عامل فروپاشی نظم سیاسی و زمینه‌ساز هرج و مرج: فتنه با تخریب مشروعیت، تضعیف نهادها و تقویت شکاف‌های اجتماعی، زمینه‌ساز فروپاشی تدریجی نظم سیاسی و بروز هرج و مرج فراگیر می‌شود. در این شرایط، نظم عمومی از بین می‌رود، قانون بی‌اثر می‌شود و حاکمیت مشروع جای خود را به زور و بی‌قانونی می‌دهد. این ناامنی سیاسی، به نوبه خود، شرایط را برای ظلم، استبداد و مداخله خارجی فراهم می‌سازد. نتیجه فتنه، یک بیماری سیستمی است که تمام ارکان جامعه را دربرمی‌گیرد و درمان آن بسیار دشوارتر از یک ناامنی موضعی است.

مفهوم عدل و قسط: ستون فقرات تمدن امنیتی اسلام

مفاهیم عدل و قسط که در قرآن کریم با تأکیدی ویژه مطرح شده‌اند، تنها یک فضیلت اخلاقی نیستند، بلکه پایه و اساسی غیرقابل انکار برای ایجاد هرگونه امنیت پایدار در جامعه به شمار می‌روند. خداوند متعال در سوره حدید (آیه ۲۵) فلسفه ارسال رسل و انزال کتب آسمانی را چنین بیان می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (به راستی که پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [معیار سنجش حق] نازل کردیم تا مردم به قسط [عدالت تمام و کمال] قیام کنند). عدالت، پیش‌شرط امنیت است، زیرا:

عدالت، مولد اعتماد عمومی است: وقتی مردم باور کنند که نظام حاکم، عادلانه رفتار می‌کند و به حقوق آنان تجاوز نمی‌شود، به آن نظام اعتماد می‌کنند. این اعتماد، مهم‌ترین سرمایه برای ثبات و امنیت ملی است.

عدالت، نابودکننده تبعیض و محرومیت است: تبعیض، خشم و ناامیدی ایجاد می‌کند که خود ماده خام ناامنی است. عدالت با از بین بردن محرومیت‌های ساختاری، این خشم را مهار می‌کند.

عدالت، تقویت کننده سرمایه اجتماعی است: سرمایه اجتماعی (شبکه‌های اعتماد و همکاری) در سایه انصاف و عدالت رشد می‌کند و خود به عنوان یک ضمانت‌نامه امنیتی عمل می‌نماید. عدالت، مولد اعتماد عمومی است: وقتی مردم باور کنند که نظام حاکم، عادلانه رفتار می‌کند و به حقوق آنان تجاوز نمی‌شود، به آن نظام اعتماد می‌کنند. این اعتماد، مهم‌ترین سرمایه برای ثبات و امنیت ملی است. قرآن کریم با پیوند دادن امنیت به عدالت در آیاتی مانند «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» (انعام: ۸۲) و تأکید بر اجرای عدالت حتی در مورد دشمنان «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائدة: ۸)، این رابطه را بنیان نهاده است.

عدالت، نابودکننده تبعیض و محرومیت است: تبعیض، خشم و ناامیدی ایجاد می‌کند که خود ماده خام ناامنی است. عدالت با از بین بردن محرومیت‌های ساختاری، این خشم را مهار می‌کند. این کارکرد عدالت، در فلسفه ارسال رسل که «ليقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵) بیان شده، تبلور یافته است. تفسیر نمونه با استناد به این آیه، قسط (عدالت توزیعی) را تنها ضامن تحقق امنیت پایدار معرفی می‌کند (تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۱۶).

عدالت، تقویت کننده سرمایه اجتماعی است: سرمایه اجتماعی (شبکه‌های اعتماد و همکاری) در سایه انصاف و عدالت رشد می‌کند و خود به عنوان یک ضمانت‌نامه امنیتی عمل می‌نماید. قرآن کریم با امر به «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائدة: ۲) و نهی از تعاون بر گناه و تجاوز، سرمایه اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها را تقویت می‌کند. عدالت در داوری («إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» - نحل: ۹۰) و در تقسیم اموال («كَيْ لَا يَكُونَ دُولُهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» - حشر: ۷)، بستر نهادی این سرمایه را فراهم می‌سازد.

عدالت، تضمین کننده مشروعیت مقبولیت نظام است: مقبولیت حاکمیت، نه تنها از طریق انتخابات، که از طریق اجرای عدالت در تمام سطوح به دست می‌آید. یک نظام عادلانه، از پشتیبانی مردمی عمیقی برخوردار است که امنیت آن را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تضمین می‌کند.

عدالت، کارآمدی اقتصادی را افزایش می‌دهد: در جامعه عادلانه، منابع بهینه توزیع می‌شوند، استعدادها شکوفا می‌گردند و فرصت‌های اقتصادی برای همگان فراهم می‌شود که نتیجه آن، رفاه عمومی و به تبع آن، امنیت اقتصادی و اجتماعی است.

مفهوم ایمان: موتور محرکه و منبع زاینده امنیت درونی و بیرونی

«ایمان» در این شبکه مفهومی، تنها یک باور قلبی انتزاعی نیست، بلکه یک قوه محرکه زنده و متحرک است که هم امنیت درونی را تولید می‌کند و هم رفتارهای بیرونی سامان‌بخش را فعال می‌سازد. قرآن کریم در سوره انعام (آیه ۸۲) می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ» (کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، برای آنان امنیت است و آنان هدایت‌یافتگانند).

قرآن کریم در سوره انعام (آیه ۸۲) می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ». مکارم شیرازی در تفسیر این آیه، شرط تحقق امنیت واقعی و هدایت را ایمان خالص از هرگونه شرک و ستم دانسته و تأکید می‌کند که این امنیت، تنها در پرتو چنین ایمانی قابل دستیابی است (تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۵۹).

ایمان اصیل، از چند طریق به امنیت می‌انجامد:

ایمان به عنوان منبع آرامش درونی و امنیت روانی: باور به خدای قادر، حکیم و

رحیم، و توکل بر او، عمیق‌ترین نوع آرامش را در برابر ناملایمات، اضطراب‌ها و ترس‌های وجودی به ارمغان می‌آورد.

ایمان به عنوان موتور محرکه عدالت: ایمان راستین، انگیزه‌ای فراتر از منافع مادی برای

اجرای عدالت ایجاد می‌کند. فرد مؤمن به پاداش اخروی و رضای الهی می‌اندیشد و حتی زمانی که عدالت به ضرر مادی او باشد، بدان پایبند می‌ماند.

ایمان به عنوان پایه اخلاق فردی و اجتماعی: ارزش‌های اخلاقی در سایه ایمان، از حالت

توصیه‌ای صرف خارج شده و به تکلیفی الهی تبدیل می‌شوند که ضمانت اجرایی درونی دارند.

ایمان به عنوان تقویت‌کننده تاب‌آوری و مقاومت: ایمان، به زندگی معنا می‌بخشد و

به انسان توانایی تحمل سختی‌ها و مقاومت در برابر بحران‌ها و فتنه‌ها را می‌دهد. جامعه باایمان، در برابر حوادث و دشمنان، صبر و استقامت دارد که خود یک دارایی امنیتی کلیدی است.

ایمان اصیل، از طریق چند کارکرد و مکانیزم کلیدی، به ایجاد و تحکیم امنیت در سطوح

مختلف می‌انجامد:

۱. کارکرد آرامش بخشی و ایجاد امنیت روانی: باور به خدای قادر، حکیم و رحیم، و توکل بر او، با ایجاد یک تکیه گاه وجودی مستحکم، عمیق ترین نوع آرامش (طمأنینه) را در برابر ناملایمات، اضطراب ها و ترس های وجودی به ارمغان می آورد. این آرامش، خود یک کانون امنیت زاست. قرآن کریم صراحتاً این رابطه را بیان می کند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). در تفسیر این آیه، علامه طباطبایی بر این نکته تأکید دارد که آرامش قلبی حقیقی، محصول پیوند با خداوند و ذکر اوست و این، بنیانی برای همه سطوح امنیت است (المیزان، ج ۱۱، ص ۵۶۳).
۲. کارکرد انگیزشی برای تحقق عدالت: ایمان راستین، با معطوف کردن نگاه انسان به پاداش اخروی و رضای الهی، انگیزه ای فراتر از منافع مادی و کوتاه مدت برای اجرای عدالت حتی زمانی که به ضرر مادی فرد باشد ایجاد می کند. هدف غایی از ارسال رسل در قرآن، برپایی قسط (عدالت فراگیر) معرفی شده است: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). تفسیر نمونه با استناد به این آیه، عدالت را ضامن اصلی امنیت پایدار می داند (تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۱۶).
۳. کارکرد پایه گذاری اخلاق با ضمانت درونی: ارزش های اخلاقی در سایه ایمان، از حالت توصیه ای صرف خارج شده و به تکلیفی الهی تبدیل می شوند که ضمانت اجرایی درونی و وجدانی دارند. قرآن امنیت نهایی را از آن کسانی می داند که ایمان خود را با ستم (شامل ظلم به خود یا دیگران که ریشه در بی اخلاقی دارد) نیالوده اند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» (انعام: ۸۲). این آیه نشان می دهد امنیت کامل، محصول ایمانی است که در عمل اخلاقی تجلی یافته است.
۴. کارکرد تاب آوری و مقاومت سازی: ایمان، به زندگی معنا می بخشد و به فرد و جامعه، توانایی تحمل سختی ها و مقاومت در برابر بحران ها و فتنه ها را می دهد. جامعه باایمان، از صبر و استقامت به عنوان یک دارایی امنیتی کلیدی برخوردار می شود. قرآن کریم مؤمنان را به استعانت از صبر و نماز فرا می خواند: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵). در تفسیر این آیات، صبر به معنای مقاومت و پایداری در برابر مصائب و فتنه ها، رمز پیروزی و حفظ کیان جامعه دانسته شده است (المیزان، ج ۱، ص ۱۵۷).

مفهوم اخلاق و ارزش های نیکو: بتن مسلح پشتیبان استراتژیک سرمایه اجتماعی

ارزش‌های اخلاقی والا مانند صداقت (صدق)، امانتداری، وفای به عهد، اخوت دینی و انسانی، احسان، ایثار و اخلاص، همان‌هایی هستند که بستر ارتباطات سالم و شبکه اعتماد اجتماعی را می‌سازند. این ارزش‌ها، سرمایه اجتماعی را که بستر ضروری برای امنیت است، تولید و تقویت می‌کنند: تقویت اعتماد بین فردی و نهادی: وقتی افراد به یکدیگر اعتماد دارند، هزینه‌های نظارت و کنترل به شدت کاهش می‌یابد و انرژی جامعه به جای صرف مراقبت از یکدیگر، صرف پیشرفت و تعاون می‌شود.

کاهش هزینه‌های مبادله و کنترل: در جامعه‌ای با اخلاق، قراردادهای با اطمینان بیشتری اجرا می‌شوند، نیاز به دستگاه‌های پلیسی و قضایی عظیم برای کنترل اجتماعی کاهش می‌یابد و فضای کسب‌وکار امن‌تر می‌شود.

افزایش همبستگی و انسجام ملی: ارزش‌هایی مانند اخوت و ایثار، پیوندهای عاطفی و مسئولیت‌پذیری متقابل بین آحاد جامعه را تقویت می‌کند و ملت را در مواجهه با تهدیدات، همچون «دیواری واحد» می‌سازد.

توسعه سرمایه اجتماعی: شبکه‌های قوی اعتماد و همکاری، بزرگ‌ترین پشتوانه برای توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی و امنیت جامعه است.

نظام علی و رابطه ارگانیک: نقشه راه توحیدی برای امنیت پایدار

تحلیل آیات قرآن نشان می‌دهد که رابطه بین این مفاهیم کلیدی، تصادفی یا خطی ساده نیست، بلکه یک نظام علی پویا، ارگانیک، سلسله‌مراتبی و دارای بازخورد است. این رابطه را می‌توان در چرخه زیر خلاصه کرد:

«ایمان اصیل و توحیدی → اخلاق فاضله و ریشه‌دار → عدالت گسترده و نهادینه‌شده → امنیت پایدار، همه‌جانبه و تاب‌آور»

در این نظام ارگانیک، یک چرخه تقویتی پویا وجود دارد: ایمان اصیل، اخلاق فاضله را می‌پرورد؛ اخلاق فاضله، بستر عدالت گسترده را فراهم می‌کند؛ و عدالت گسترده، امنیت پایدار را ایجاد می‌کند. این امنیت پایدار، به نوبه خود، فضایی امن برای تعمیق ایمان، شکوفایی اخلاق و نهادینه‌سازی هرچه بیشتر عدالت فراهم می‌سازد. بنابراین، رابطه‌ای خطی و یک‌طرفه نیست، بلکه یک حلقه فضیلت‌آفرین با بازخورد مثبت است.

رابطه بین این اجزا یک تعامل دیالکتیکی و چندجهته است. هر چند ایمان به عنوان سنگ بنای حرکت به سوی اخلاق و عدالت عمل می‌کند، اما تحقق عینی عدالت و تجربه امنیت ناشی از آن، خود موجب تقویت ایمان و تعمیق پابندی اخلاقی در جامعه می‌شود. به عبارت دیگر، این مفاهیم نه در یک خط راست، که در یک شبکه به هم تنیده و تقویت‌کننده قرار دارند که هر جزء هم بر جزء بعدی اثر می‌گذارد و هم از آن اثر می‌پذیرد.

ویژگی‌های این نظام عبارتند از:

انسجام درونی: تمامی اجزا در راستای یک هدف واحد (قرب به خدا و تعالی انسان) هماهنگ هستند. سازگاری سیستماتیک: تقویت هر جزء، به تقویت کل سیستم می‌انجامد و تضعیف هر جزء، کل نظام امنیتی را تهدید می‌کند.

قابلیت خودتنظیمی: ارزش‌هایی مانند امر به معروف و نهی از منکر، مکانیزم خوداصلاحی درون‌سیستمی ایجاد می‌کنند.

رابطه متقابل و دیالکتیکی: برای مثال، امنیت، بستر لازم برای تحقق عمیق‌تر عدالت است و عدالت، آن امنیت را تثبیت می‌کند. این یک رابطه دوطرفه و تقویت‌کننده است. شبکه معنایی امنیت در قرآن به وضوح نشان می‌دهد که این مفاهیم، نه به صورت پراکنده و جزیره‌ای، بلکه در قالب یک سیستم به هم پیوسته، هدفمند، توحیدی و دارای معماری دقیق قرار دارند. این سیستم:

از یک هستی‌شناسی توحیدی (خداوند به عنوان محور جهان) آغاز می‌شود.

بر یک انسان‌شناسی فطری (گرایش ذاتی انسان به خدا، خیر و حقیقت) تکیه می‌زند.

به اخلاق کریمانه (تجلی ایمان در رفتار) منتهی می‌شود.

اجتماعی عادلانه (بازتاب اخلاق در ساختارهای اجتماعی) را پدید می‌آورد.

و در نهایت، به امنیتی پایدار و همه‌جانبه (ثمره طبیعی زندگی فردی و جمعی توحیدی) ختم می‌گردد.

این شبکه جامع، الگویی بی‌نظیر برای تحلیل مسائل امنیتی معاصر از ناامنی‌های روانی و اجتماعی تا بحران‌های سیاسی و اقتصادی و ارائه راهکارهای ریشه‌ای، پایدار، بومی و مبتنی بر حکمت الهی ارائه می‌دهد.

شبکه معنایی امنیت در قرآن به وضوح نشان می‌دهد که این مفاهیم، نه به صورت پراکنده و جزیره‌ای، بلکه در قالب یک سیستم به هم پیوسته، هدفمند، توحیدی و دارای معماری دقیق قرار دارند. این سیستم:

الف) از یک هستی‌شناسی توحیدی (خداوند به عنوان محور جهان) آغاز می‌شود (مبنا: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (حشر: ۲۳)؛ «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر: ۶۲) و «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آل عمران: ۱۸۹)).

ب) بر یک انسان‌شناسی فطری (گرایش ذاتی انسان به خدا، خیر و حقیقت) تکیه می‌زند (مبنای فطری: «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)).

ج) به اخلاق کریمانه (تجلی ایمان در رفتار) منتهی می‌شود (تجلی ایمان در اخلاق: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰)؛ و پیوند ایمان با صداقت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹)).

د) اجتماعی عادلانه (بازتاب اخلاق در ساختارهای اجتماعی) را پدید می‌آورد (هدف اجتماعی عدالت: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ و امر به قسط: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸)).

ه) و در نهایت، به امنیتی پایدار و همه‌جانبه (ثمره طبیعی زندگی فردی و جمعی توحیدی) ختم می‌گردد (ثمره ایمان و عدالت: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» (انعام: ۸۲)؛ و امنیت به عنوان نعمت الهی: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۴)).

الگوی پنج‌لایه‌ای امنیت توحیدی: طراحی و تبیین جامع

این الگوی نوآورانه، نظام‌مند، کاربردی و بومی، سطوح مختلف امنیت را در یک نظام یکپارچه، سلسله‌مراتبی، پویا، ارگانیک و توحیدی تبیین می‌کند. هر لایه، هم به صورت مستقل و دارای هویت ویژه، مؤلفه‌های خاص و کارکردهای منحصربه‌فرد و هم در ارتباط ارگانیک، متقابل، سیستمی و دیالکتیکی با دیگر لایه‌ها معنا، کاربرد و کارایی می‌یابد. این پنج لایه در واقع سطوح مختلف تحقق امنیت را از درون به برون، از فرد به جامعه، از معنویت به عینیت، از ایده به طرح و از بنیاد به ساختار نشان می‌دهند و هر لایه پایه لایه بالاتر و تقویت‌کننده لایه پایین‌تر است.

این پنج لایه در یک رابطه سلسله‌مراتبی و غایت‌مند قرار دارند. غایت نهایی این نظام امنیتی، تمکن یافتن فرد و جامعه برای ایفای نقش خلافت الهی و عبودیت کامل است. امنیت در هر لایه، ابزاری برای زدودن موانع و فراهم آوردن امکان این حرکت تکاملی است. به عبارت دیگر، امنیت کامل (در لایه پنجم) زمانی محقق است که بسترهای لازم (لایه‌های یک تا چهار) برای حیات معناگرا، عادلانه و خداپسندانه فراهم شده باشد.

لایه اول: امنیت اعتقادی و توحیدی (بنیادی‌ترین، عمیق‌ترین و هستی‌شناختی لایه)

مبانی و اصول بنیادین: این لایه بر پایه توحید اصیل، ایمان خالص به خداوند یکتا، اعتقاد به معاد و زندگی ابدی، باور به نبوت، امامت و حکمت الهی استوار شده است. آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: ۸۲) به صراحت امنیت نهایی، پایدار و هدایت را از آن کسانی می‌داند که ایمان خالص، بدون شرک و ظلم دارند. در تفسیر نمونه، اعتصام به حبل الله به معنای تمسک به قرآن و عترت، تنها راه نجات از تفرقه و ایجاد امنیت اجتماعی دانسته شده است (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۶۲).

کارکردهای کلان و کاربردی: ایجاد امنیت وجودی و هستی‌شناختی عمیق در برابر پوچی و اضطراب، معنا بخشیدن به زندگی، رنج‌ها و چالش‌های بشری، تأمین آرامش روانی پایدار و درون‌ریشه‌دار، مصونیت بخشی در برابر بحران‌های معنوی، پوچی و اگزستانسیال، تولید امیدواری، انگیزه حیات و تاب‌آوری در سخت‌ترین شرایط مانند بحران‌های جهانی، تقویت مقاومت فردی و جمعی در برابر تهدیدات خارجی و داخلی.

به عنوان نمونه در قرآن کریم باور به خداوند قادر مطلق، حکیم علی‌الاطلاق، رحمان و رحیم به عنوان منبع امنیت (قریش: ۴)، اعتقاد به زندگی ابدی و جزا و پاداش (حدید: ۲۰)، ایمان به عدل الهی در همه شئون هستی (نساء: ۴۰)، توکل و سپردن امور به خدای متعال (طلاق: ۳)، احساس حضور، مراقبت و حمایت الهی در همه لحظات زندگی (بقره: ۲۵۷)، ایمان به قضا و قدر و حکمت الهی در تمام رویدادها (توبه: ۵۱). در مثال تاریخی، امنیت اعتقادی در صدر اسلام، مسلمانان را در برابر تهدیدات قریش مقاوم کرد.

ایمان به قضا و قدر و حکمت الهی در تمام رویدادها (نک: حدید: ۲۲) و توکل بر او «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا» (توبه: ۵۱)، بنیانی محکم برای امنیت روانی و مقاومت در برابر سختی‌هاست. در مثال تاریخی، امنیت اعتقادی در صدر اسلام، مسلمانان را در برابر تهدیدات قریش مقاوم کرد.

در مثال تاریخی، امنیت اعتقادی در صدر اسلام، مسلمانان را در برابر آزارها، محاصره‌ها و تهدیدات قریش مقاوم کرد

مطابق گزارش‌های تاریخی، پیامبر (ص) و یارانش باتکیه بر همان ایمان توحیدی که در آیات قرآن (مانند انعام: ۸۲) بر آن تأکید شده بود، در برابر فشارهای طاقت‌فرسای قریش در شعب ابی طالب و پیش از آن، صبر و مقاومت کردند^۱

این مقاومت، عینیت یافتن و مصداق عملی آیاتی بود که مؤمنان را به صبر و ثبات قدم در راه ایمان فرامی‌خواند، مانند: «وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزمّل: ۱۰).

این الگو در تاریخ اسلام مصادیق متعددی دارد، از جمله مقاومت جامعه نوپای مسلمانان در مکه و مدینه در برابر دشمنان بسیار قوی‌تر که با تکیه بر همین ایمان بنیادین ممکن شد.

لایه دوم: امنیت اخلاقی و ارزشی (لایه واسطه، ارتباطی، فرهنگ‌ساز و هنجاری)

مبانی و اصول: این لایه بر ارزش‌های والای اخلاقی مانند راستگویی، امانتداری، عفاف، گذشت، احسان، ایثار، اخلاص و تقوا استوار است. اخلاق نیکو، پل ارتباطی بین ایمان درونی و رفتارهای بیرونی، فردی و اجتماعی است.

کارکردهای کلان و کاربردی: ایجاد سرمایه اخلاقی بالا و اعتماد بین فردی و اجتماعی، کاهش شدید هزینه‌های کنترل، نظارت، بازدارندگی و تنبیه، پیشگیری ریشه‌ای، عمیق و پایدار از جرم، فساد، انحرافات اجتماعی و آسیب‌های اخلاقی، تسهیل و تسریع تعاملات، مبادلات و روابط اجتماعی، ایجاد فضای امن روانی، عاطفی و فرهنگی در جامعه، تقویت پیوندهای اجتماعی بر پایه ارزش‌های مشترک و متعالی.

به عنوان نمونه در قرآن کریم تقوا و پرهیزگاری به عنوان محور اصلی و محوری (حجرات: ۱۳)، صداقت در گفتار، رفتار، نیات و معاملات (توبه: ۱۱۹)،

^۱ (ر.ک. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۱۵-۴۲۰؛ یا: طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۱۹-۲۲۵)

صداقت در گفتار، رفتار، نیت و معاملات (توبه: ۱۱۹) که در تفسیر المیزان، راستگویی به عنوان اساس اعتماد و سلامت روابط اجتماعی معرفی شده و فقدان آن را موجب فروپاشی سرمایه اجتماعی و گسترش ناامنی می‌داند (المیزان، ج ۹، ص ۴۲۸).

وفای به عهد و پابندی به تعهدات فردی و اجتماعی (مائده: ۱)، حیا و حفظ حریم‌های اخلاقی و خانوادگی (نور: ۳۰-۳۱)، احترام متقابل و تکریم انسان‌ها صرف نظر از نژاد و جایگاه (حجرات: ۱۳)، احسان و نیکوکاری نسبت به دیگران حتی دشمنان (ممتحنه: ۸)، عفو و گذشت در مواقع توانایی و قدرت (نحل: ۱۲۶)، اخلاص و دوری از ریا، تظاهر و خودنمایی (بینه: ۵). در جوامع معاصر، کشورهایی مانند اندونزی با تأکید بر اخلاق اسلامی، سطح جرائم را کاهش داده‌اند.

لایه سوم: امنیت اجتماعی و رابطه‌ای (لایه عینی، جامعه‌ساز و روابطی)

مبانی و اصول: این لایه بر اصل اخوت اسلامی، تعاون و همکاری اجتماعی، تکریم متقابل، حفظ نوامیس، حقوق متقابل و همبستگی جمعی استوار است. آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) بر وحدت، انسجام و همبستگی اجتماعی تأکید می‌کند. کارکردهای کلان و کاربردی: ایجاد سرمایه اجتماعی بالا، شبکه‌های اعتماد گسترده و پایدار، تقویت انسجام، همبستگی، وحدت ملی و امتی، ایجاد احساس تعلق، هویت جمعی، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، کاهش تنش‌ها، تضادها و اختلافات درونی جامعه، افزایش تاب‌آوری اجتماعی، فرهنگی و روانی در برابر بحران‌ها، تسهیل مدیریت جمعی، خودجوش و مردمی مسائل اجتماعی و امنیتی.

به عنوان نمونه در قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مسئولیت اجتماعی و پیشگیری جمعی (آل عمران: ۱۰۴)، صله رحم و تحکیم روابط خویشاوندی و خانوادگی (نساء: ۱)، کمک به نیازمندان، حمایت از محرومان و اقشار آسیب‌پذیر (بقره: ۱۷۷)، حفظ آبرو، حیثیت و کرامت دیگران (حجرات: ۱۱)، مشارکت فعال در نهادهای اجتماعی، مردمی و خیریه‌ها، میانجی‌گری و صلح و آشتی برقرار کردن در اختلافات خانوادگی و اجتماعی (نساء: ۳۵)، مهمان‌نوازی و استقبال از غریبان و مهاجران (توبه: ۶)،

مهمان‌نوازی و استقبال از غریبان و مهاجران بر پایه آیات کلی تأکید بر احسان به مسافر و غریب، مانند: «وَأَبْنِ السَّبِيلِ» (نساء: ۳۶) و «وَأَوَىٰ إِلَيْكُمُ الْغُرَبَاءُ» (بقره: ۱۷۷)، و روایات فراوانی که

حق مهمان را از واجبات دانسته‌اند. تعاون در کارهای نیک، پروژه‌های عمومی و توسعه اجتماعی (مائده: ۲). در مثال، جامعه مدینه در زمان پیامبر (ص) با اخوت، امنیت اجتماعی بالایی داشت.

لایه چهارم: امنیت اقتصادی و معیشتی (لایه زیرساختی، بقا و رفاهی)

مبانی و اصول: این لایه بر عدالت اقتصادی، تأمین حداقل‌های زندگی برای همه، مبارزه با فقر، تبعیض و انباشت ثروت، تضمین معیشت شرافتمندانه و توزیع عادلانه منابع استوار است. آیه شریفه «کی لایکون دوله بین الأغنیاء منکم» (حشر: ۷) بر توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از انحصار تأکید دارد.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم» تأکید می‌کند که گردش ثروت در میان همه اقشار، مانع شکل‌گیری قدرت‌های انحصاری می‌شود که خود منشأ فساد و ناامنی اقتصادی است (المیزان، ج ۱۹، ص ۲۴۱).

کارکردهای کلان و کاربردی: جلوگیری از جرائم، خشونت و ناامنی ناشی از فقر و محرومیت، تأمین آرامش خاطر عمومی و امنیت روانی معیشتی، افزایش رضایت از زندگی، احساس عدالت و برابری، تقویت تولید، رشد اقتصادی پایدار و مولد، کاهش شکاف طبقاتی، تضادهای اجتماعی و تنش‌های طبقاتی، ایجاد بستر مناسب برای شکوفایی استعدادها، خلاقیت و توسعه انسانی.

به عنوان نمونه اجرای کامل نظام زکات، خمس و انفاقات مالی برای توزیع مجدد ثروت (توبه: ۶۰)، حرمت ربا و مبارزه با اقتصاد ربوی و انباشت سرمایه بادآورده (بقره: ۲۷۵)، منع احتکار، احتساب ثروت‌های کلان و تمرکز ثروت (حشر: ۷)، تضمین مالکیت مشروع، کارآفرینی و تولید (جمعه: ۱۰)، تأمین اشتغال کامل، مولد و شرافتمندانه (قصص: ۲۶)، توسعه عدالت آموزشی، بهداشتی و فرصت‌های برابر (حدید: ۲۵)،

توسعه عدالت آموزشی (با توجه به تأکیدات قرآن بر علم و تعقل، مانند «أَلَمْ يَسْتَوِ الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» (زمر: ۹))، عدالت بهداشتی (بر مبنای قاعده فقهی حفظ نفس و توصیه‌های نبوی به رعایت سلامت)، و تأمین فرصت‌های برابر (به عنوان روح حاکم بر اصل قرآنی قسط در حدید: ۲۵)

حمایت از تولید داخلی، کشاورزی و صنایع بومی، تنظیم بازار، مبارزه با فساد اقتصادی و دلالی (شعراء: ۱۸۳).

حمایت از تولید داخلی، کشاورزی و صنایع بومی، تنظیم بازار، مبارزه با فساد اقتصادی و دلالی بر اساس اصول کلی اقتصاد اسلامی است که ریشه در قرآن و سنت دارد. حمایت از تولید داخلی، کشاورزی و صنایع بومی، بر مبنای چند اصل قرآنی و تفسیری استوار است:

(الف) تأکید بر عمران و آبادانی زمین: قرآن کریم انسان را به آبادانی زمین فراخوانده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱). علامه طباطبایی در المیزان ذیل این آیه، استعمار را به معنای آبادانی و بهره‌برداری صحیح از زمین برای تأمین معاش و پیشرفت زندگی می‌داند (المیزان، ج ۱۰، ص ۴۵۴). این آیه پشتوانه‌ای قرآنی برای فعالیت‌های تولیدی مانند کشاورزی و صنعت است.

(ب) تشویق به کار و تولید: قرآن کریم کار و کوشش برای بهره‌مندی از مواهب الهی را جایز و مطلوب شمرده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ» (ملک: ۱۵). در تفسیر نمونه، «مشی در مناكب زمین» به معنای تلاش در تمام زمینه‌های عمرانی، اقتصادی و بهره‌برداری از طبیعت برای تولید رزق حلال دانسته شده است (تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۹۴).

(ج) اهمیت تولیدات غذایی و کشاورزی: قرآن به صراحت به تولید غذا و کشاورزی اشاره کرده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَا صَبَّبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا» (عبس: ۲۴-۲۷). این آیات، توجه به فرآیند تولید غذا که از کشاورزی آغاز می‌شود را یک نقطه تأمل قرآنی قرار می‌دهد.

(د) منع اتکاء به دشمن و لزوم استقلال: قاعده نفی سیل که از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) استنباط می‌شود، در دیدگاه‌های فقهی و تفسیری مانند تفسیر المیزان، به حوزه اقتصادی نیز تسری یافته و لزوم خوداتکایی و عدم وابستگی اقتصادی به دشمنان را ایجاب می‌کند (المیزان، ج ۵، ص ۱۲۷). این اصل، پشتوانه‌ای برای حمایت از تولید داخلی و صنایع بومی است.

حرمت اکل مال به باطل نیز بر پایه آیه‌ی «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (بقره: ۱۸۸) که در تفاسیری مانند المیزان، هرگونه تصرف ناروا در اموال دیگران را اعم از ربا، غش، دزدی و تصرفات نامشروع شامل می‌شود (المیزان، ج ۲، ص ۷۱).

منع احتکار (بر پایه روایات متواتر از پیامبر (ص) و ائمه (ع) که در منابع حدیثی و کتب فقهی آمده و در تفاسیر روایی مانند مجمع البیان ذیل آیات مربوط به تجارت و انفاق به آن اشاره شده است).
و جوب حفظ مصالح عمومی (بر پایه قاعده‌ی فقهی «جلب مصالح و دفع مفاسد» که مستند به آیات کلی مانند «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) و «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران: ۱۱۰) است و در تفسیر نمونه ذیل این آیات، مسئولیت جامعه اسلامی در تأمین منافع همگانی مورد تأکید قرار گرفته است).

قاعده نفی سیل (بر پایه آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) که در تفاسیری مانند المیزان، مبنایی برای منع سلطه‌ی اقتصادی بیگانه و لزوم استقلال اقتصادی جامعه اسلامی دانسته شده است (المیزان، ج ۵، ص ۱۲۷)).

لایه پنجم: امنیت سیاسی و حکمرانی (لایه کلان، ساختاری، حاکمیتی و فراملی)

مبانی و اصول: این لایه بر اصل شورا، عدالت قضایی، امانتداری حاکمان، پاسخگویی عمومی، دفاع از کیان جامعه و روابط بین‌الملل عادلانه استوار است. آیه شریفه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) بر مشورت، مشارکت و دموکراسی اسلامی تأکید می‌کند.

در تفسیر نمونه، شورا نه تنها یک روش حکمرانی، بلکه ضامن مشروعیت، مقبولیت و در نتیجه ثبات و امنیت نظام سیاسی قلمداد شده است (تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۳۷).

کارکردهای کلان و کاربردی: تأمین ثبات سیاسی، امنیت ملی و فراملی، ایجاد مقبولیت مشروعیت نظام، مقبولیت عمومی و رضایت شهروندان، تضمین امنیت قضایی، حقوقی و آزادی‌های مشروع برای همه، سازماندهی دفاع جمعی، سیستماتیک و هوشمند در برابر تهدیدات خارجی، ایجاد چارچوب‌های قانونی، نهادی و ساختاری برای تحقق عدالت، توسعه روابط بین‌المللی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت (ممتحنه: ۸).

به عنوان نمونه بیعت و انتخاب آگاهانه، شروط و مسئولانه حاکمان (ممتحنه: ۱۲)، نصیحت ائمه مسلمین، نظارت عمومی و امر به معروف حکومتی (توبه: ۷۱)، جهاد دفاعی، آمادگی نظامی و استراتژیک (انفال: ۶۰)، قضاوت عادلانه، دادرسی منصفانه و مستقل (نساء: ۵۸)، شفافیت، پاسخگویی و مبارزه با فساد در حکمرانی (بقره: ۱۸۸)، توسعه زیرساخت‌های دفاعی، امنیتی و

سایبری، سیاست‌گذاری خارجی فعال، عزتمند و عدالت‌محور (حجرات: ۱۳)، حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال (توبه: ۵).

نظام ارتباطی بین لایه‌ها: این پنج لایه در یک رابطه ارگانیک، سیستمی، پویا و دیالکتیکی قرار دارند: لایه اعتقادی اساس و بنیان تمام لایه‌هاست، لایه اخلاقی رابط بین اعتقاد و رفتار، لایه اجتماعی عینیت بخش روابط انسانی، لایه اقتصادی پایه مادی تحقق امنیت، و لایه سیاسی چارچوب کلان و ساختاری را فراهم می‌کند. هر لایه بر لایه دیگر تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. ضعف در هر لایه، به تدریج لایه‌های دیگر را نیز تضعیف می‌کند و تقویت هر لایه، به تحکیم کل نظام امنیتی می‌انجامد. این الگو، یک پارادایم جامع، بومی و کاربردی برای تحلیل، سنجش، سیاست‌گذاری و مدیریت امنیت در جوامع اسلامی ارائه می‌دهد و با چالش‌های معاصر مانند امنیت سایبری ادغام‌پذیر است.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی جامع

این پژوهش به روشنی، علمی و متقن نشان داد که قرآن کریم، با دارا بودن مرجعیت علمی جامع، منسجم، پویا و کاربردی، قادر به ارائه نظریه‌ای بدیع، نظام‌مند، بومی، رقابت‌پذیر و عملیاتی در حوزه جامعه‌شناسی امنیت است. «نظریه امنیت توحیدی» با محوریت رابطه ارگانیک «ایمان، عدالت و اخلاق» و تجلی آن در «الگوی پنج‌لایه‌ای امنیت توحیدی»، نه تنها یک چارچوب تحلیلی قدرتمند، عمیق و میان‌رشته‌ای، بلکه یک نقشه راه عملیاتی، راهبردی و کاربردی برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، مدیران و پژوهشگران در جوامع اسلامی فراهم می‌کند. یک نقشه راه عملیاتی، راهبردی و کاربردی برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، مدیران و پژوهشگران در جوامع اسلامی فراهم می‌کند. این الگو با تصحیح نگاه ابزاری به امنیت، آن را در خدمت هدف غایی قرآن—یعنی ایجاد جامعه‌ای عابد، عادل و اخلاق‌محور قرار می‌دهد. این الگو قادر است بحران‌های امنیتی پیچیده، چندبعدی و نوظهور معاصر را با نگاهی ریشه‌ای، همه‌جانبه، پایدار و توحیدی تحلیل، پیش‌بینی و برای آن راهکارهای بومی، اخلاقی و عدالت‌محور ارائه دهد.

دلالت‌ها و پیامدهای پژوهش

دلالت‌های نظری و معرفت‌شناختی: گامی بلند، اساسی و پیشرو در راستای تولید علوم انسانی اسلامی، بومی‌سازی دانش، خروج از انفعال علمی در برابر گفتمان مسلط غربی و ایجاد پارادایم‌های رقیب.

دلالت‌های روش‌شناختی: تثبیت، توسعه و اعتباربخشی به «تفسیر موضوعی ساختاریافته» و «تحلیل محتوای کیفی قرآن» به عنوان روش‌هایی معتبر، علمی، قدرتمند و کاربردی در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای دینی و اجتماعی.

دلالت‌های کاربردی و سیاستی: ارائه الگویی بومی، کارآمد و عملیاتی برای تدوین استراتژی امنیت ملی، سند چشم‌انداز توسعه، برنامه‌های کلان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای اسلامی.

دلالت‌های تربیتی و فرهنگی: ارائه مبانی محکم برای طراحی نظام تربیتی، آموزشی و فرهنگی که بتواند شهروندانی معتقد، عادل، اخلاقی و مسئول پرورش دهد که خود بزرگ‌ترین ضامن، حافظ و تولیدکننده امنیت پایدار هستند.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه. ترجمه و شرح فیض الاسلام اصفهانی. تهران: موسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، ۱۳۷۹.
بوزان، باری و آلی ویور. (۱۴۰۲). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل (رحمان قهرمان‌پور، مترجم). پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جمعی از نویسندگان. (۱۴۰۰). منشور مرجعیت علمی قرآن کریم (ویراست دوم). پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی (علی‌اکبر غفاری، مترجم). دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه.

هاشمیان‌فرد، زاهد. (۱۳۹۱). امنیت در اسلام. دانشگاه عالی دفاع ملی.

- حسینی رامندی، سیدعلی اکبر. (۱۳۹۹). مرجعیت علمی قرآن با تأکید بر اندیشه‌های قرآن‌شناختی رشید رضا. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، ۱(۳)، ۶۳-۳۵.
- شیرزاد، علی و شریفی، احمد. (۱۴۰۰). تحلیلی معناشناختی از امنیت در قرآن کریم مبتنی بر نظریه استعاره‌های جهتی. پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱۰(۱)، ۱-۲۴.
- غرسبان، مرتضی. (۱۳۹۹). مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه دکتر گلشنی. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، ۱(۵)، ۸۸-۱۱۶.
- عزیزی، مرتضی. (۱۴۰۲). ظرفیت‌سنجی گونه‌های مرجعیت علمی قرآن در مطالعات روان‌شناختی. فصلنامه قرآن و روانشناسی، ۱(۲)، ۱۳۶-۱۲۱.
- نوبری، سیدمهدی و اسماعیلی، محمود. (۱۳۹۹). مفهوم‌شناسی امنیت در قرآن و زمینه‌های شکل‌گیری آن. پژوهش‌های قرآنی، ۲۶(۱)، ۲۸-۱.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- المتقی الهندی، علاء‌الدین علی بن حسام الدین. (۱۴۰۱ ق). كنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- النوری الطبرسی، میرزا حسین. (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- نرم‌افزار جامع‌التفاسیر نور. (نسخه ۳.۵). مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- غرایق زندی، داود. (۱۳۹۵) امنیت در اسلام: مبانی نظری و تحولات تاریخی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- والتز، کنت، نظریه سیاست بین الملل، ترجمه عباس زمانیان، نی: ۱۴۰۴.
- عابدی جعفری و سایر (۱۳۹۰) تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۵۱-۱۹۸
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰) شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- منصوریان، یزدان (۱۳۸۶)، گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد، ویژه نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی، اصفهان: دانشگاه اصفهان .
- مهرابی، امیر حمزه، حسین خنفیر، علی نقی امیری، حسن زارعی متین، غلامرضا جندقی، معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
- اخوان کاظمی (۱۳۸۶) امنیت در نظام سیاسی اسلام
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). آشنایی با قرآن. تهران: صدرا.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۴) اخلاق در قرآن. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.

وین جونز، ریچارد، (۱۹۸۱) امنیت، استراتژی و نظریه انتقادی

مطهری، مرتضی. جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.

شریعتی، علی. جامعه‌شناسی اسلامی. تهران: ارشاد.

Buzan, B. (1991). People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era (2nd ed.). Harvester Wheatsheaf.

Waltz, K. N. (1979). Theory of International Politics. McGraw-Hill.

Baldwin, D. A. (1997). The Concept of Security. Review of International Studies, 23(1), 5–26.

Jones, R. W. (1981). Security, Strategy, and Critical Theory. Millennium: Journal of International Studies, 10(2), 95–108.

The concept of security David A. Baldwin Princeton School of Public and International Affairs

